



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

نسل ششم مناطق آزاد و توسعه جزیره بوموسی



تیر ۱۴۰۴

شناسنامه گزارش



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

عنوان:

نسل ششم مناطق آزاد و توسعه جزیره بوموسی

مدیریت دیپلماسی اقتصادی و آینده پژوهی

تهیه کننده: مرتضی قورچی

همکاران: سید روح الله حسینی

تاریخ انتشار: تیر ۱۴۰۴

واژه‌های کلیدی: مناطق آزاد، جهان شبکه ای، جهانی سازی شرکتی، منطقه گرایی نوین، مثلث رشد اندونزی، مالزی و تایلند، مثلث طلایی تایلند، لائوس و میانمار، جزیره بوموسی

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

فهرست مطالب

۵	فصل اول
۶	مقدمه
۸	فصل دوم
۹	جهان شبکه ای
۱۰	جهانی سازی شرکتی
۱۱	جهان شبکه ای و منطقه گرایی نوین
۱۳	مناطق آزاد
۱۹	فصل سوم
۲۰	نسل های مناطق آزاد
۲۵	نسل ششم
۲۸	تجارب جهانی نسل ششم مناطق آزاد
۴۳	فصل چهارم
۴۴	جزیره بوموسی بررسی ادعای مالکیت و حاکمیت امارات بر آن
۴۴	حضور قدرت های فرامنطقه ای قاجاریه و پهلوی
۴۵	جمهوری اسلامی ایران
	نسل ششم مناطق آزاد در زمینه های تک به عنوان الگوی ارتباطی با سایر مناطق آزاد خلیج فارس (منطقه آزاد دبی)
۴۷	برای جزیره بوموسی
۵۰	حل اختلافات ایران و کشورهای همسایه
۵۲	فصل پنجم
۵۳	نتیجه گیری
۵۵	منابع
۵۶	منابع

فصل اول

مقدمه

اساساً هدف از تاسیس مناطق آزاد قبل از دهه‌های ۷۰-۸۰ میلادی، برای توسعه مناطق محروم بود به همین دلیل این مناطق در کنار مرزها مکان‌گزینی می‌شدند. اما بعد از دهه ۸۰ این مناطق بیشتر با هدف پیوستن به اقتصاد جهانی به وجود آمدند. لذا جنبه جدید بودن و نوآورانه این پژوهش از آن‌رو است که برای نخستین بار در ایران به مناطق آزاد با دیدگاه پیوند به اقتصاد جهانی از طریق تشریح نسل‌های جدید این مناطق به ویژه نسل ششم نگریسته می‌شود.

اقتصاد جهانی که به آن اقتصاد شبکه‌ای و جهانی شدن شرکتی نیز می‌گویند، در اواخر دهه ۸۰ میلادی با توسعه زیرساخت‌های ارتباطی و گسترش اینترنت و همچنین به موازات آن افزایش خصوصی سازی شرکت‌های بزرگ، شرایطی به وجود آورد که این شرکت‌ها برای استفاده از نیروی کار با دستمزد کمتر، مواد اولیه ارزانتر و هزینه حمل و نقل کمتر اقدام به دورسپاری و برون سپاری شعبه‌های مختلف خود در سراسر جهان کنند. در چنین شرایطی مکان‌های محلی مانند شهرها و مناطق آزاد به عنوان مکان‌های پایلوت یا آزمایشی برای مکان‌گزینی آن‌ها در نظر گرفته شدند. از این رو هرچه تعداد این مکان‌های محلی برای پیوند به اقتصاد جهانی در یک منطقه بیشتر شود شکل جدیدی از منطقه‌گرایی در قلب جهانی شدن یا اقتصاد شبکه‌ای به وجود می‌آید که به آن منطقه‌گرایی نوین می‌گویند. در چنین شرایطی است که از دهه ۱۹۸۰ میلادی شاهد انفجار مناطق آزاد و گسترش هرچه بیشتر آن‌ها در سطح جهان هستیم. مطالعات بیشتر نشان می‌دهد که با تحولات اقتصاد جهانی نسل‌های جدیدی از مناطق آزاد به وجود آمده‌اند که تا کنون شاهد هفت نسل مختلف از این مناطق هستیم. اساساً در کشورهای اروپایی و غربی به مناطق آزاد به عنوان مناطق دروازه‌ای برای ورود به اقتصاد جهانی و در کشورهای آسیای جنوب شرقی به عنوان گازهای پیشرو برای پیوستن به اقتصاد شبکه‌ای تئوریزه شده‌اند. بنابراین در این کشورها برای تشویق به سرمایه‌گذاری در این مکان‌ها اقدام به معافیت‌های مالیاتی و گمرکی می‌کنند و شرایط ویژه‌ای را به وجود می‌آورند که با سایر پهنه‌های سرزمینی آن کشور متفاوت است. در واقع این مناطق به عنوان نقاط گره‌ای در اقتصاد شبکه‌ای عمل می‌کنند و نقش دروازه ورود کشورها به اقتصاد جهانی را برعهده دارند.

یکی از مهمترین نسل‌های مناطق آزاد، نسل ششم است که هدفی فرامرزی دارد و در این پژوهش تلاش شده است که به تشریح این نسل خاص از مناطق آزاد پرداخته شود و سعی کند که آن را



به عنوان موضوعی برای بحث‌های اولیه و تلاش برای ایجاد این نسل در جزیره بوموسی برای کاهش اختلافات با نمونه‌ها و تجارب جهانی ارائه دهد و در پایان با دادن پیشنهاداتی از جمله انجام طرح‌های جامع در آن جزیره جهت اقدامات اقتصادی توصیه‌ای از جنس تولید، مونتاژکاری، واسطه‌گری بین الملل، تجارت خدمات به طور دقیق در آن انجام و تبیین گردد.

فصل دوم

جهان شبکه‌ای

دانشمندان زیادی درباره جهانی شدن نظریه پردازی کرده‌اند اما از میان آن‌ها، فقط مانوئل کاستلز به طور مستقیم به جهانی شدن معاصر می‌پردازد. استفاده اصلی او از داده‌ها برای مشخص کردن فضای جریان‌ها، مجموعه‌ای از اطلاعات بسیار گسترده از فدرال اکسپرس است. او با تاکید بر عنصر ارتباطات و اطلاعات معتقد است جهانی نو در پایان هزاره دوم شکل گرفته است. این جهان در اواخر دهه ۱۹۶۰ و نیمه دهه ۱۹۷۰ میلادی بر اثر تقارن تاریخی سه فرایند مستقل پدیدار شد: انقلاب فناوری و اطلاعات، بحران‌های اقتصادی سرمایه‌داری و دولت سالاری و شکوفایی جنبش‌های اجتماعی - فرهنگی. به نظر کاستلز روند این تحولات منجر به ظهور «جامعه شبکه‌ای» شده است. در دهه ۱۹۷۰ دو فناوری پیشرفته متمایز، رایانه و ارتباطات، با هم ترکیب شدند تا زیرساختی جدید برای سازمان جهانی ایجاد کنند. این زیرساخت جهانی توانست ظاهری از بی واسطه بودن خدمات تجاری اصلی برای فعالیتهای خدماتی فراملی ارائه دهد.

به نظر کاستلز فن‌آوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید که اساس مادی جامعه هستند یک شبکه‌سازی جدید را پدیدآورده‌اند که مقیاس‌ها و دامنه‌های آن در حال تغییر است که در آن، عصر اطلاعات جایگزین عصر صنعتی می‌شود (Taylor 26,2004).

به اعتقاد ایشان با توجه به اینکه جهانی شدن جلوه‌ای از سرمایه‌داری است، استدلال می‌کند که مدرنیته از عصر صنعتی به عصر اطلاعات حرکت کرده است که در آن "شبکه‌ها مورفولوژی اجتماعی جدید جوامع ما را تشکیل می‌دهند" این «فضایی جدید» بر رشد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات استوار است که جامعه شبکه‌ای را قادر می‌سازد تا جای جامعه صنعتی را بگیرد. این دو نوع جامعه با فضاهای اجتماعی خود متمایز می‌شوند: جامعه صنعتی از طریق "فضای مکان‌ها" ایجاد شده است در حالی که جامعه شبکه‌ای توسط "فضای جریان‌ها" ایجاد می‌شود. کاستلز در توصیف اولیه خود از این جایگزینی اشاره می‌کند که فضای جریان‌ها امروزی جانشین فضای مکان‌ها شده‌اند، اما او بعداً تایید کرد که دو فضای اجتماعی به طور هم‌زمان ساخته می‌شوند به طوری که تفاوت بین جامعه صنعتی و جامعه شبکه‌ای در این است که کدام یک از آن‌ها بر ساختار فضایی غالب هستند. بنابراین جهانی شدن معاصر دوره‌ای است که فضای جریان‌ها بر بازتولید اجتماعی تسلط دارند و هر دو برای وجود یکدیگر ضروری بوده و هستند.

فضای مکان‌ها، محل عملیات گره‌ها و هاب‌ها نامیده می‌شوند. گره‌ها جایی هستند که عملکردهای مهم استراتژیک انجام می‌شوند و محلات را به کل شبکه پیوند می‌دهند. هاب‌های ارتباطی مکان‌هایی هستند که برای هماهنگ کردن تعاملات در سراسر شبکه عمل می‌کنند. در اصطلاح بلاوت (۱۹۷۶) شبکه به دو شکل اساسی رخ می‌دهد: کالاهایی که برای بازار از طریق تغییر شکل (تولید) یا تغییر مکان (مبادله) تولید می‌کند. این دو فضای جریان‌ها را ایجاد می‌کنند: به تعبیر جاکوبز (۱۹۷۰) "حرکات کوچک در هاب" و "چرخ‌های بزرگ زندگی اقتصادی" هر دو به عنوان عوامل خارجی، به گسترش حیات اقتصادی کمک می‌کند.

جهانی‌سازی شرکتی

از نظر تیلور جهانی شدن معاصر (شرکتی) با پیشرفت جهانی‌سازی آمریکایی توسعه یافته است. با این تفاوت که دو تغییر به وجود آمده است: ۱- بسیاری از شرکت‌های کشورهای دیگر از جمله اروپای غربی، ژاپن، آمریکا و چین به شرکت‌های آمریکایی ملحق شدند ۲- این شرکت‌ها به شرکت‌های فراملی و حتی جهانی تبدیل شده‌اند. به این معنی که استراتژی‌های جهانی خود را دارند. در واقع با ادغام دو صنعت کامپیوتر و ارتباطات در دهه ۱۹۷۰ تولید به کشورهای فقیرتر منتقل شد و "تقسیم بین‌الملل کار" به وجود آمد که این شرایط قابلیت‌های فرماندهی و کنترل را بسیار افزایش داد.

تیلور جهانی‌سازی شرکتی را با نام‌های مختلفی مانند جهانی‌سازی سیاره‌ای یا جهانی‌سازی معاصر می‌نامد. در جهان شبکه‌ای ابتدا شرکت‌های خدماتی، مشتریان خود را که در حال جهانی شدن بودند دنبال می‌کنند تا کسب‌وکار خود را حفظ کنند، اما متعاقباً استراتژی‌های مکان‌یابی جهانی خود را برای ارائه خدمات یکپارچه جهانی (در نتیجه حفظ تصویر برند خود) و جذب مشتریان جدید در بازارهای جهانی توسعه دادند. آنها با ایجاد فضای جریان‌ها، مکان‌های محلی را از طریق اعمال روزمره خود به هم متصل می‌کنند. این جریان‌های بی‌شمار درون شرکتی - از اطلاعات، دانش، جهت‌گیری، مشاوره، برنامه‌ها، استراتژی، پرسنل و غیره - بین دفاتر اصلی تبلیغات جهانی، حسابداری، بانکداری، بیمه، حقوق، مشاوره، مدیریت و غیره است که شرکت‌ها بخشی از آن را تشکیل می‌دهند.

از نظر تاریخی، بازرگانان کالاهای خود را در سراسر شبکه جهانی تجارت می‌کردند. در کلی‌ترین

سطح، عوامل تغییر اقتصادی، دارندگان سرمایه (در اشکال مختلف آن) هستند و این تصمیمات آن‌ها است که برای رشد یا رکود اقتصادی حیاتی است.

این شرکت‌های بزرگ توسط سیاست‌های دولت نئولیبرال کمک و حمایت می‌شوند تا استراتژی‌های مکان‌یابی خود را در مکان‌های مختلف به کار گیرند. این شرکت‌ها که به عنوان عوامل اقتصادی هستند، ثروتی را تولید می‌کنند که شبکه بر اساس آن ساخته شده اند و پایدار هستند و این شرکت‌ها از طریق شبکه‌های اداری خود، ساختار کلی شبکه را ایجاد کرده‌اند. درواقع این شرکت‌ها هستند که به دنبال تعیین و اندازه‌گیری شبکه هستند. آن‌ها نقش مهمی برای تفسیر الگوهای شبکه ایفا می‌کنند.

شبکه‌ها معمولاً در دو سطح مشخص می‌شوند: سطح خود شبکه که محدوده روابط را تعریف می‌کند، و سطح گره‌ای که عواملی را که روابط آن‌ها شبکه را تشکیل می‌دهند، تعریف می‌شوند. از این رو در اینجا فهرستی از برخی از این دفاتر آمده است: «دفاتر کلیدی»، «شاخه‌های اصلی»، «دفاتر جهانی»، «دفاتر بین‌المللی»، «دفاتر مرکزی»، «دفاتر عملیات اصلی»، «مراکز صلاحیت» (برای یک عملکرد معین)، «مراکز مدیریت دارایی»، «مراکز خدمات سرمایه‌گذاری جهانی»، «دفاتر تجاری بین‌المللی» یا «دفاتر تجاری چندگانه»، مسکن مدیران ارشد یا شرکای ارشد و دفاتر «شرکت‌های اصلی» در اتحادها. جهانی شدن بر مبنای خصوصی سازی بود که بعد از ورودیسم و در دوره‌های تاجریسم و ریگانیسم رخ داد. بنابراین خدمات تولید کننده پیشرفته از سال ۱۹۹۰ به یک بخش مهم اقتصادی پیشرو در جهانی شدن تبدیل شده است. این فضای جدید را می‌توان فضای خدمات شرکتی نامید.

جهان شبکه‌ای و منطقه‌گرایی نوین

از نظر پیترو تیلور (۱۹۹۷) (جغرافی‌دان سیاسی برجسته)، جهانی شدن فرایندی تخت نیست که جهانی همگن ایجاد کند بلکه به صورت فازی (یعنی در یک یا چند زمینه خاص) عمل می‌کند و با جغرافیای منطقه‌ای سنتی (سرزمین‌گرا) مقابله می‌کند. از طرف دیگر جغرافیا دارای سنتی طولانی برای تقسیم‌بندی جهان بر اساس مناطق برای اهداف امپراطوری بوده است. ابتدا استفاده از واژه قاره‌ها و سپس دولت-ملت‌ها برای چارچوب بندی به این اهداف استفاده می‌شد. در نوع سنتی منطقه‌بندی از دولت‌ها به عنوان بلوک‌های سازنده یک منطقه یاد می‌شد

و بر دنیایی از مرزهای مشخص و بر تفاوت‌های بین مردم تاکید می‌کردند. این الگو که قبلاً به صورت ساده و موزاییکی (دولت-ملت‌ها) مشخص می‌شد و دارای یک نوع تمرکز سستی بر روی مرزها و فضاهای مطلق بود با رویکرد رابطه‌ای به چالش کشیده شده است. منطقه‌بندی سستی، محدود به مرزهای تقریباً مشخص بود ولی منطقه‌بندی نوین نامحدود است. در واقع یک نوع مناطق جهانی بدون محدودیت به وجود آمده‌اند. در این نوع منطقه‌بندی مرزها از منظر فضای مکان‌ها مبهم و از منظر فضای جریان‌ها متخلخل هستند.

به چالش کشیدن آشکارا رویکرد سرزمینی و مقیاسی که هم طرفداران و هم منتقدان منطقه‌گرایی جدید اتخاذ کرده‌اند، برای این نویسندگان شکل‌بندی‌های اجتماعی-فضایی نوظهور و لزوماً در مقیاسی سرزمینی نیستند، بلکه از طریق فضایی بودن جریان‌ها، کنار هم قرار گرفتن آن‌ها، تخلخل و اتصال آن‌ها ایجاد می‌شوند. نقاطی که برای برهم زدن مفاهیم مناطق به عنوان سرزمین‌های محدود هستند، از این دیدگاه جایگزین، تفسیر مناطق به عنوان فضاهای حرکت و گردش (کالاها، فناوری‌ها، دانش، مردم، مالی و اطلاعات) نشان می‌دهد که "نه یک منطقه"، بلکه شبکه‌های نامحدود از مفصل‌بندی‌های پیچیده است." (Harrison, 2014, Allen et al., 1998: 65).

در نگاه اول در این نوع از منطقه‌گرایی که مبتنی بر شبکه‌ها است، گره‌هایی وجود دارند که تعاملات آن‌ها شبکه‌ها را ایجاد می‌کنند و روابط متقابل آن‌ها این شبکه‌ها را تعریف می‌کنند. اما در مدل‌های به هم پیوسته‌تر عوامل شبکه‌ساز گره‌ها نیستند بلکه درون گره‌ها یافت می‌شوند بنابراین سه سطح عملیاتی وجود دارد با نام‌های: گره، زیرگره و شبکه.

در واقع شرکت‌ها (زیرگره‌ها) از طریق کارهای خدماتی روزمره خود، (گره‌ها) را به هم متصل می‌کنند. از این رو بسیاری از شرکت‌ها در انجام کارهای روزمره خود استراتژی‌های جهانی را ابداع کرده‌اند که از طریق آن شکل‌های منطقه‌ای جدید ساخته می‌شوند. نکته کلیدی این است که (گره‌ها) مراکز خدماتی و محل عبور جریان‌های متفاوت سرمایه، کالا و خدمات در این مدل هستند ولی عامل ایجاد شبکه‌ها نیستند بلکه عامل اصلی شرکت‌ها (زیرگره‌ها) و تصمیمات صاحبان سرمایه هستند و گره‌هایی از شرکت‌ها، جغرافیای شبکه‌ای را در بین سراسر شهرها تشکیل می‌دهند. در واقع دفتر مرکزی شرکت‌ها که اقدام به تصمیم‌گیری استراتژی‌های متفاوتی برای مکان‌گزینی دفاتر خود و ارتباط با سایر شرکت‌ها می‌کنند به عنوان جغرافیای تصمیم‌گیری نام برده می‌شود. این جغرافیای تصمیم‌گیری است که جریان شبکه‌ها را در جهانی شدن

نو تعیین می‌کند. جریان‌های شبکه‌سازی (اطلاعات، دانش، مشاوره و...) برای مشتریان در سراسر دفاتر شرکت‌ها، روابط بین شهرها را در سراسر جهان و مناطق نوین، تشکیل می‌دهند. شبکه‌ها همچنین می‌توانند شامل پیام‌های الکترونیکی، کنفرانس‌های تلفنی و ملاقات‌های حضوری از طریق سفرهای متخصصان باشند که با هم در بین شرکت‌های بیشمار وجود دارند و شبکه شهرهای جهانی را ایجاد می‌کنند (Taylor, 1997).

اما این شرکت‌ها بیشتر شبکه‌ساز هستند تا منطقه‌ساز (به صورت سنتی) آن‌ها با ایجاد شبکه‌های شهری برای ارائه خدمات جهانی، منعکس کننده نوعی ناهمگونی هستند. این شبکه‌ها در مناطقی با تراکم بیشتر و در مناطقی با تراکم کمتراند، بنابراین این ناهموازی در توزیع آن‌ها نشان دهنده نوعی منطقه‌گرایی نوین در بستر جهانی شدن است.

به طور کلی عوامل منطقه‌سازی، شرکت‌های خدمات تولید کننده پیشرفته و دارای تمرکز منطقه‌ای در ارائه خدمات از منطقه مبدا یا محل دفتر مرکزی خود و به علاوه توزیع پراکنده خدمات خود در سراسر جهان هستند که استراتژی‌های جهانی خود را نشان می‌دهند. شاید بتوان از محل دفتر مرکزی به خانه-منطقه یاد کرد. این مناطق از مجموعه مشترک از خدمات مشخص می‌شوند. منطقه شامل سایر شرکت‌هایی که خارج از منطقه هستند نیز می‌شود که با گسترش جهانی شدن، مرزهای منطقه را متخلخل می‌کنند. و همچنین ممکن است شهرهایی در منطقه وجود داشته باشد که بخش‌هایی از تشکیلات منطقه‌ای نباشند.

این نوع جدید از منطقه‌بندی جهانی بر اساس استراتژی‌های مکان‌یابی شرکت‌های مختلف تولید کننده است. این شرکت‌ها با استراتژی‌های مشابه و استراتژی‌های خاص (که در هیچ شرکت دیگری وجود ندارد و مختص به خودشان است) اقدام به مکان‌یابی برای دفاتر خود می‌کنند. این استراتژی‌های مکان‌یابی به عنوان سازندهای منطقه‌ای شناخته می‌شوند که با هم هم‌پوشانی دارند و هر کدام از دو بخش تشکیل شده‌اند: یک منطقه‌ای که در آن حضور دارند (منطقه محلی) و یک منطقه جهانی.

مناطق آزاد

مناطق آزاد شکلی از استثناگرایی سرزمینی هستند که در عصر حاضر به پارادایم مهم جهانی شدن، تبدیل شده‌اند و از این استثنایی بودن سرزمینی خود به عنوان یک مزیت رقابتی استفاده می‌کنند

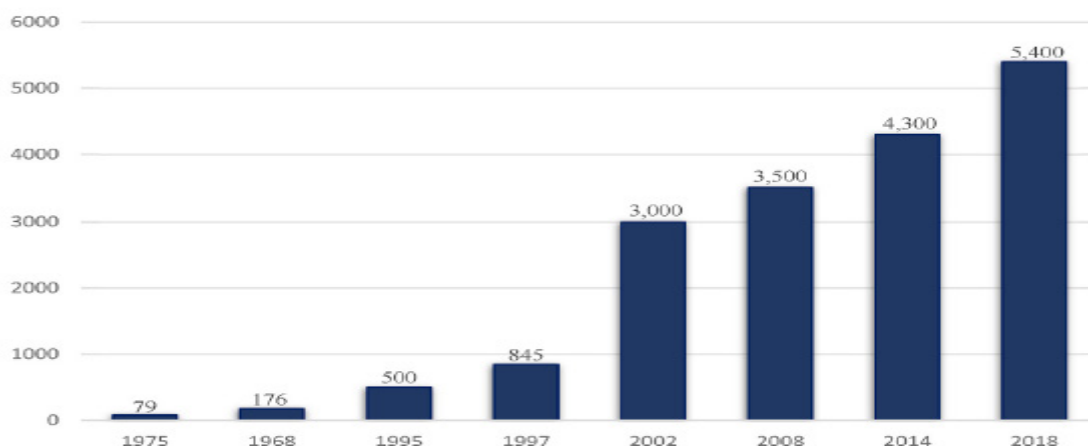
که به عنوان دروازه ورود به جهانی شدن در نظر گرفته می‌شوند مانند مناطق آزاد کشورهای چین، سنگاپور و دبی. این مناطق نمود فضایی جهانی شدن و اشکال گسترده‌ای از فراملیت‌گرایی هستند که اجازه سرمایه‌گذاری و مکان‌گزینی شرکت‌های فراملیتی و شرکت‌های سایر کشورها را با امتیازات ویژه می‌دهند. در سال ۲۰۱۲ در ایالات متحده، حدود ۳۷۰۰۰۰ نفر در بیش از ۳۲۰۰ شرکت فعال در ۲۷۶ منطقه آزاد مشغول به کار بودند، که حدود نیمی از واردات آمریکا را تشکیل می‌دادند. مناطق آزاد در مکان‌هایی ایجاد می‌شوند که از نظر جغرافیایی برای تجارت مفید هستند و اغلب در کنار یک بندر دریایی، فرودگاه، بندر رودخانه‌ای، یا بندر خشک قرار می‌گیرند در واقع درج یک بندر با امکانات لجستیکی در موفقیت آن‌ها نقش کلیدی دارد. مناطق آزاد برای ادغام در تولید و تجارت جهانی به وجود آمده‌اند تا جایی که اقتصادهای صادرات محور جنوب شرقی آسیا، یعنی هند و دبی را به اقتصاد جهانی پیوند دادند. این مناطق با تولید و تجارت و با کاهش پیچیدگی گمرکات و بازارهای جهانی اصطکاک به وجود آمده توسط مرزها را کاهش می‌دهند و دو منطقه گمرکی خارج از محدوده خودشان را به هم وصل می‌کنند. در واقع این مناطق به عنوان گره‌گاه‌های اقتصاد شبکه‌ای عمل می‌کنند و نقش دروازه ورود کشورها به اقتصاد جهانی را برعهده دارند.

در ۵۰ سال گذشته، مناطق آزاد در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به عنوان ابزار سیاستی برای ترویج سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به طور فزاینده‌ای محبوب شده‌اند. مناطق آزاد تجاری با آزادسازی تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی گسترده شده‌اند. آن‌ها یک بازیگر کلیدی در تعمیق زنجیره ارزش جهانی هستند. در شرایط معاصر رقابت شدید بین شرکت‌ها، این مناطق آزاد پویا به مکان‌هایی ممتاز برای قراردادهای فرعی بین‌المللی تبدیل کرد که خود نمود فضایی قطب‌های رشد در نظام اقتصادی پسا-فوردیسم هستند.

از این رو در اواسط دهه ۱۹۸۰ با آزادسازی سریع تجارت و با افزایش بی‌سابقه تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و با باز شدن تقریباً همه کشورها به اقتصاد بازار آزاد در سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۰ مناطق آزاد به طور قابل توجهی افزایش یافتند. می‌توان گفت که آن‌ها نشانه‌های قابل توجهی از گسترش جهانی شدن در مقیاس کروی هستند. بسیاری از دولت‌ها، عمدتاً در جهان سوم، آن‌ها را به ابزارها و اهرم‌های مهم - حتی تعیین کننده - برای ورود به مارپیچ پرفضیلت توسعه تبدیل کرده‌اند. مطالعات موردی نشان می‌دهد که مناطق آزاد اغلب

نقش مهمی در این کشورها از نظر ایجاد مشاغل جدید (عمدتاً در صنعت، از طریق پیمانکاری بین‌المللی) و آموزش نیروی کار، اشتغال، تنوع بخشی به اقتصاد (ظهور بخش‌های جدید فعالیت) و صادرات، انتقال فناوری یا سهم ارزهای سخت^۱ و... دارند. امروزه بیش از ۵۴۰۰ منطقه آزاد در ۱۴۷ کشور در حال فعالیت هستند و به بیش از پنجاه نام مختلف نام‌گذاری شده‌اند.

نمودار رشد مناطق آزاد



آمار UNCTAD گزارش می‌دهد که جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار از ۳۱ درصد برای دوره ۱۹۹۰-۱۹۹۴ به ۵۰ درصد برای دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۲ افزایش یافته است. سهم چین در تجارت جهانی از ۵,۹ درصد به ۱۱,۴ درصد از سال ۱۹۹۳ و ۲۰۱۲ افزایش یافته است. گفته می‌شود که این الگوهای رشد چشمگیر اغلب به دلیل سیاست‌های تجاری، توسط کشورهای در حال توسعه و نوظهور در این دوره‌ها شکل گرفته است. با باز بودن تجارت، این کشورها توانستند از مزیت نسبی خود در هزینه کم نیروی کار حداکثر استفاده را ببرند. در همان زمان، تعداد و اندازه مناطق آزاد تجاری با رشد چشمگیر مواجه شدند. در واقع منطقه آزاد تجاری به هر منطقه‌ای در کشور گفته می‌شود که بدون هیچ مانعی توسط مقامات گمرک میزبان، کالاها را می‌توان وارد یا صادر کرد. همچنین می‌تواند به یک منطقه خاص انتخاب شده در یک کشور اشاره کند که در آن موانع تجاری منظم مانند سهمیه‌ها و تعرفه‌ها برداشته شده و محدودیت‌های اداری به منظور جذب مشاغل جدید و سرمایه‌گذاری های خارجی کاهش می‌یابد.

۱- ارزهای سخت ارزهایی هستند که قدرت نقدشوندگی بالایی دارند و در سطح جهانی پذیرفته شده اند و همچنین ثبات اقتصادی و سیاسی کشور صادر کننده را نشان می‌دهند.

سازمان بین‌المللی کار ارزیابی مثبتی از کارایی مناطق آزاد داشته است. این ارزیابی از منظر ایجاد فرصت‌های شغلی و فعالیت‌های کارآفرینی، کاهش قابل ملاحظه‌ای را در بیکاری برآورد کرده است. در همین حال، این امر بر احترام به حقوق نیروی کار در چنین مناطقی تاکید کرده است. تجربه ایجاد مناطق آزاد در آسیا نشان می‌دهد که این کشورها دارای یک فضای سازگار با دولت‌ها هستند و موظفند مقررات رسمی گمرک، ارز، سازماندهی و سایر قوانین مهارکننده را رعایت کنند.

از طرف دیگر، کشورهای در حال توسعه که به ایجاد مناطق آزاد روی آوردند معتقدند که مناطق آزاد می‌توانند کمک بزرگی برای مقابله با سطح پایین توسعه ارائه دهند. این بدان معناست که جریان سرمایه و مدیریت به یک کشور و افزودن دانش فنی خارجی به عوامل داخلی ممکن است کشور را در مسیر توسعه قرار دهد و با اقتصاد جهانی مطابقت داشته باشد.

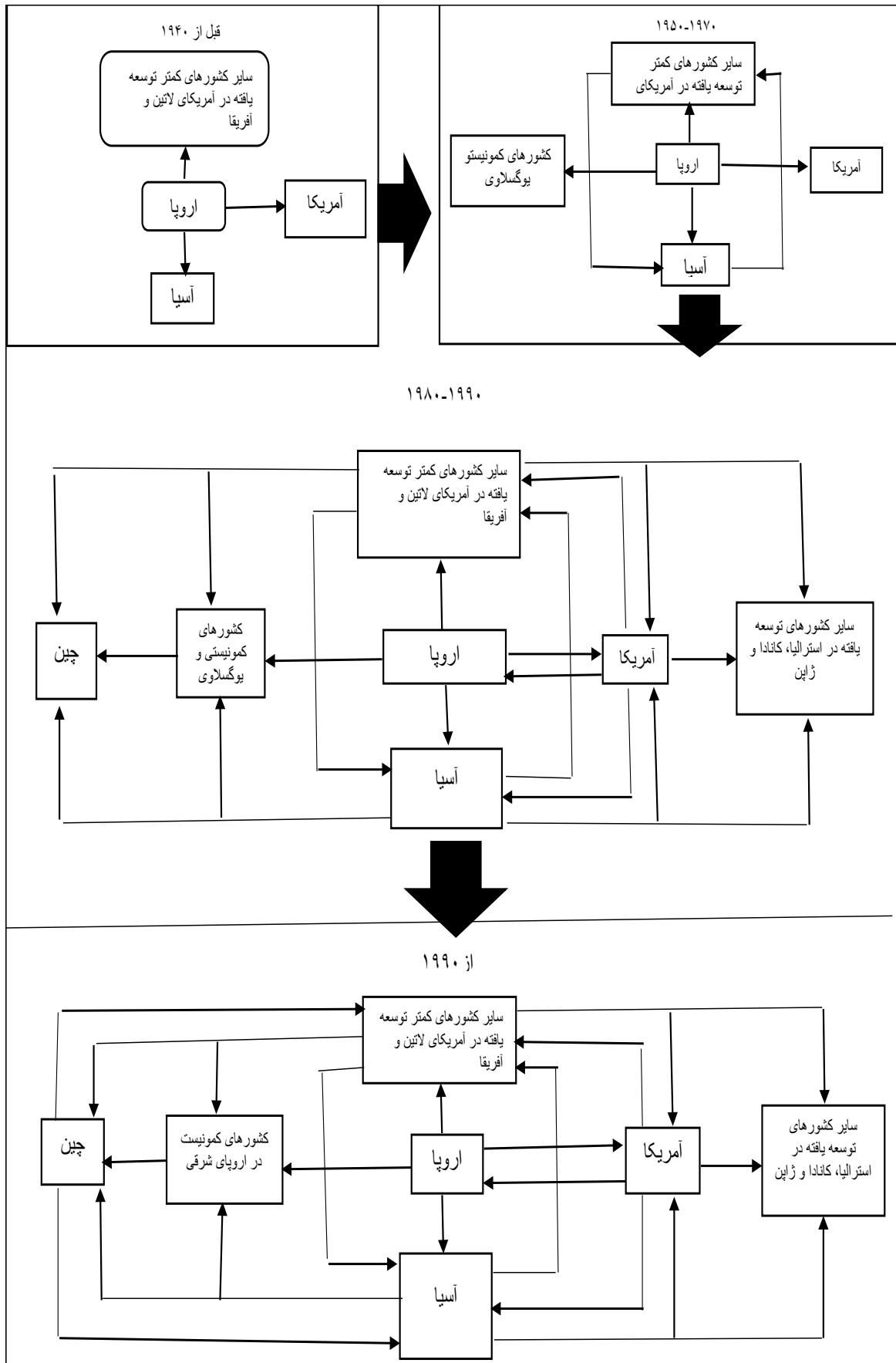
در حالت کلی با جذب سرمایه‌گذاری خارجی، یک کشور می‌تواند اقدامات لازم را برای تاسیس و ایجاد تسهیلات موردنیاز از طریق سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد را انجام دهد و توسعه کشورها به عنوان یک فرآیند بین‌المللی از پیوستن به اقتصاد جهانی و بازارهای جهانی شکل گیرد (Mohammad ali N:2015).

سابقه مناطق آزاد در ابتدا به بنادر آزاد می‌رسد^۱ درواقع ایده بندر آزاد، به بندر رومی دلوس (یونان) برمی‌گردد. متعاقباً، چنین بنادری نیز در برخی از دولت شهرها (مانند ونیز) در امتداد حاشیه شرقی و جنوبی دریای مدیترانه در اوایل قرون وسطی پدید آمدند. در اواخر قرن سیزدهم، برخی از شهرهای شمال اروپا در حوضه دریای بالتیک اتحادیه هانسایی را تأسیس کردند. هامبورگ و برمن به عنوان "شهرهای آزاد" نقش مسلط را در اتحادیه داشتند. که به مرور این مناطق متأثر از تحولات اقتصاد جهانی تبدیل به مناطق آزاد شدند. به عنوان مثال، جنگ جهانی دوم و انقلاب علمی و فناوری دوم معیارهایی هستند که دو مرحله توسعه مناطق آزاد مبتنی بر تجارت و تولید را تعیین می‌کنند. پس از "کشف قاره جدید" (قرن شانزدهم) و "انقلاب صنعتی اول" بنادر آزاد و مناطق آزاد از مدیترانه، شمال و دریاهای بالتیک به آسیا، آفریقا و آمریکا گسترش یافتند. این مناطق در آمریکای جنوبی و جزایر کارائیب توسط اسپانیا، پرتغال و بریتانیای کبیر تأسیس شدند

۱- در ابتدا بندرهای آزاد وجود داشتند که در آنجا تنها اقدام به مبادله کالا می‌کردند، با تغییر کاربری آنها به تولیدی و صنعتی عنوان مناطق آزاد به آنها اطلاق شد که مهمترین آنها بند آزاد هامبورگ بود.

و آنهایی که در آسیا و آفریقا هستند توسط بریتانیای کبیر و فرانسه راه اندازی شدند. تا دهه ۱۹۵۰، بیشتر مناطق آزاد در جهان متعلق به نسل اول تجاری بودند. در طی این دوره، مناطق آزاد از منطقه آزاد اقتصادی به منطقه تجاری و سپس به بنادر آزاد و بعد از آن به مناطق آزاد منتقل شدند که مهمترین آن هامبورگ است. به دنبال پیشرفت سیاسی و فناوری، انواع و نسل‌های مختلف مناطق آزاد به وجود آمدند و آزادسازی تجارت جهانی، بین‌المللی‌سازی مالی، ادغام تولید، نهاده‌سازی و یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای را ترویج کردند. از این رو در نمودار زیر سیر تکوین آن‌ها مشخص است.

نمودار ۲ تکامل مناطق آزاد



فصل سوم

نسل‌های مناطق آزاد

می‌توان در سراسر جهان کارکردهای مناطق آزاد را در هفت نسل مورد مطالعه قرار داد. آن‌چنان‌که بررسی‌ها نشان می‌دهد از زمان ایجاد اولین مناطق آزاد در جهان تا کنون، هفت نسل گوناگون در چشم اندازها، اهداف و ماموریت‌های مختلف و ارزش‌ها با توجه به شرایط زمانی و مکانی در جهان تاسیس شده است. این مناطق متناسب با رویکردهای جدید و غالب اقتصادی در جهان شکل گرفته‌اند (خلیلی، ۱۴۰۲، ۶۶). از این‌رو می‌توان نسل‌های مختلف مناطق آزاد را به این صورت تقسیم بندی نمود:

۱- اولین نسل از مناطق آزاد با هدف توسعه کسب و کار با محوریت تجارت به وجود آمد. این مناطق از نظر جغرافیایی در نواحی خاصی مانند بنادر یا فرودگاه‌ها یا نزدیک چنین مکان‌هایی احداث و با حصار یا مرزی از سرزمین اصلی جدا می‌شدند. فعالیت اغلب این مناطق مشتمل بر ایجاد مراکز بازرگانی، انبار کردن، پردازش و در موارد خاصی تولید کالا بود. این نسل از مناطق، به شهرهای آزاد و بنادر آزاد تقسیم می‌شوند. شهرها و بنادر آزاد نخست در مدیترانه و سپس در دریای شمالی و دریای بالتیک ایجاد شدند. این شهرها و بنادر وسیله‌ای برای توسعه تجارت به شمار می‌رفتند (خلیلی، ۱۴۰۲، ۶۷). می‌توان بهترین نمونه این نسل از هامبورگ یاد کرد. مناطق آزاد ایری و ماسان در کره جنوبی و نیویورک در ایالات متحده نمونه‌های دیگر هستند. امروزه تعداد این نسل از مناطق آزاد رشد چشم‌گیری داشته است.

۲- دومین نسل مناطق آزاد، پس از جنگ جهانی دوم با هدف تولید و پردازش صادرات از طریق ایجاد صنایع شکل گرفتند. این مناطق از آسیا به سایر نقاط جهان گسترش یافتند (Guang wen, 105, 2006). دیگر اهداف ایجاد چنین مناطقی، اشتغال، ارزآوری، انتقال تکنولوژی و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بود. در این مناطق، کارخانجات و واحدهای تولیدی بزرگ علاوه بر منابع اولیه و نیروی کار ارزان قیمت، به دنبال رهایی از مقررات گمرکی دست و پاگیر بودند. آنها با استقرار در این مناطق و با ایجاد مجتمع‌های زنجیره‌ای، در صدد کاهش هزینه‌ها و تولید کالاهای ارزان قیمت بودند. در واقع، اغلب مناطق پردازش صادرات در این نسل ایجاد شدند. منطقه آزاد شانون از مهمترین مناطق در زمینه پردازش کالا است که هدف آن تبدیل کالاهای وارداتی به محصولات صادراتی بود. در واقع می‌توان گفت این نسل از مناطق آزاد متأثر از انقلاب صنعتی به وجود آمدند.

۳- از سومین نسل مناطق آزاد به عنوان مناطق آزاد مالی یاد می‌شود. در واقع بانک‌ها و بیمه‌ها برای استفاده از مقررات آسانتر بخشی از فعالیت خود را به مناطق آزاد منتقل کردند. بنابراین این نسل از مناطق آزاد با هدف ارائه خدماتی مانند امور بانکی، بیمه و بازرگانی و همچنین گردشگری از جهت ارائه خدمات به وجود آمدند. ازجمله مهمترین این نسل می‌توان منطقه تسهیلات بین‌المللی بانکی و منطقه بیمه‌ای نیویورک نام برد. این نسل بیشتر در کشورهای توسعه یافته به وجود آمدند زیرا نیاز به کاهش قیمت تولید و افزایش قدرت رقابت در بازار آزاد جهانی احساس می‌شد. بنادر جنوا، روتردام، بحرین، لوگزامبورگ، باهاماس، نیویورک و لندن از این نسل هستند.

۴- نسل چهارم مناطق آزاد، در اواخر دهه ۱۹۷۰ و به دنبال توسعه اقتصادی، سیاسی و انقلاب فناوریانه، این نسل از مناطق آزاد در آغاز در کشورهای توسعه یافته شروع شد و در دیگر کشورهای دنیا گسترش یافت (دیده ور، ۱۳۸۸، ۳۳). نسل چهارم مناطق آزاد را می‌توان جهش و ارتقای مناطق آزاد از مناطق خدماتی صنعتی به مناطق دانش‌بنیان، مانند پارک‌های فن‌آوری، صنعتی، علمی، تحقیقاتی، مراکز رشد، شهرهای علمی و هوشمند دانست. ارتقای توان صنایع دارای سرمایه بالا، فناوری پیشرفته و تجاری سازی یافته‌های فنی از اهداف این گونه مناطق آزاد است که در مرکز یا مناطق پیرامونی شهرها تاسیس می‌شوند. سلیکون ولی و سوفیا در آمریکا، آنتی پولیس در فرانسه و منطقه تیسوکابا در ژاپن قدیمی‌ترین آن‌ها هستند و همچنین می‌توان به روستاهای دانش در دبی نیز اشاره کرد.

۵- نسل پنجم مناطق آزاد به دلیل دارا بودن مجموعه‌ای از تمام کارکردهای نسل‌های پیشین مناطق آزاد، مناطق آزاد اقتصادی جامع نامیده می‌شود که می‌توانند همه فعالیت‌های مربوطه به تجارت، تولید، خدمات و دانش را دربر بگیرد. در این مناطق، فعالیت‌های توسعه یافته صنعتی، تجاری و خدماتی بر پایه دانش شکل گرفته و زنجیره ارزش صنعت را در مناطق آزاد دنبال می‌کند. حیطه این دانش از جانب کشورهای توسعه یافته و با استفاده از ظرفیت‌های کشورهای دیگر، برای تکمیل زنجیره ارزش دنبال می‌شود (خلیلی، ۱۴۰۲، ۷۳). نمونه‌های این مناطق مانادوس در برزیل، هنگ کنگ، سنگاپور، باهاماس و شنزن هستند.

۶- ششمین نسل از مناطق آزاد بر اساس همگرایی منطقه‌ای میان چند کشور به وجود آمده است که سرزمین‌های مختلف میان دولت-ملت‌ها را به هم پیوند می‌زند. از جمله آنها می‌توان به

مناطق آزاد فرامرزی میان کشورهای سنگاپور، مالزی و اندونزی و بین کشورهای تایلند، مالزی، سوماترا و یا در منطقه مکونگ ریور میان کشورهای چین، تایلند، برمه، لائوس، ویتنام و کامبوج نام برد.

۷- نسل هفتم مناطق آزاد که به آن مناطق آزاد دیجیتالی می‌گویند تازه‌ترین نسل از مناطق آزاد هستند که در آن تمامی فعالیت‌های مربوط به بلاک چین، معاملات رمز ارز و هوشمندسازی فعالیت‌ها بر اساس اینترنت جی ۵ در مناطق آزاد ایجاد می‌شوند. برای مثال مناطق تخصصی علوم، مراکز رشد استارت آپ‌ها، تحقیق و توسعه، بیوتکنولوژی، مناطق دیجیتال، مناطق هوشمند شهری همچون شهرهای هوشمند وون سیتی ژاپن، بلمونت در آریزونای آمریکا، نئوم عربستان سعودی، سایداواک لبز تورنتو کانادا و فارست سیتی مالزی را می‌توان نام برد.

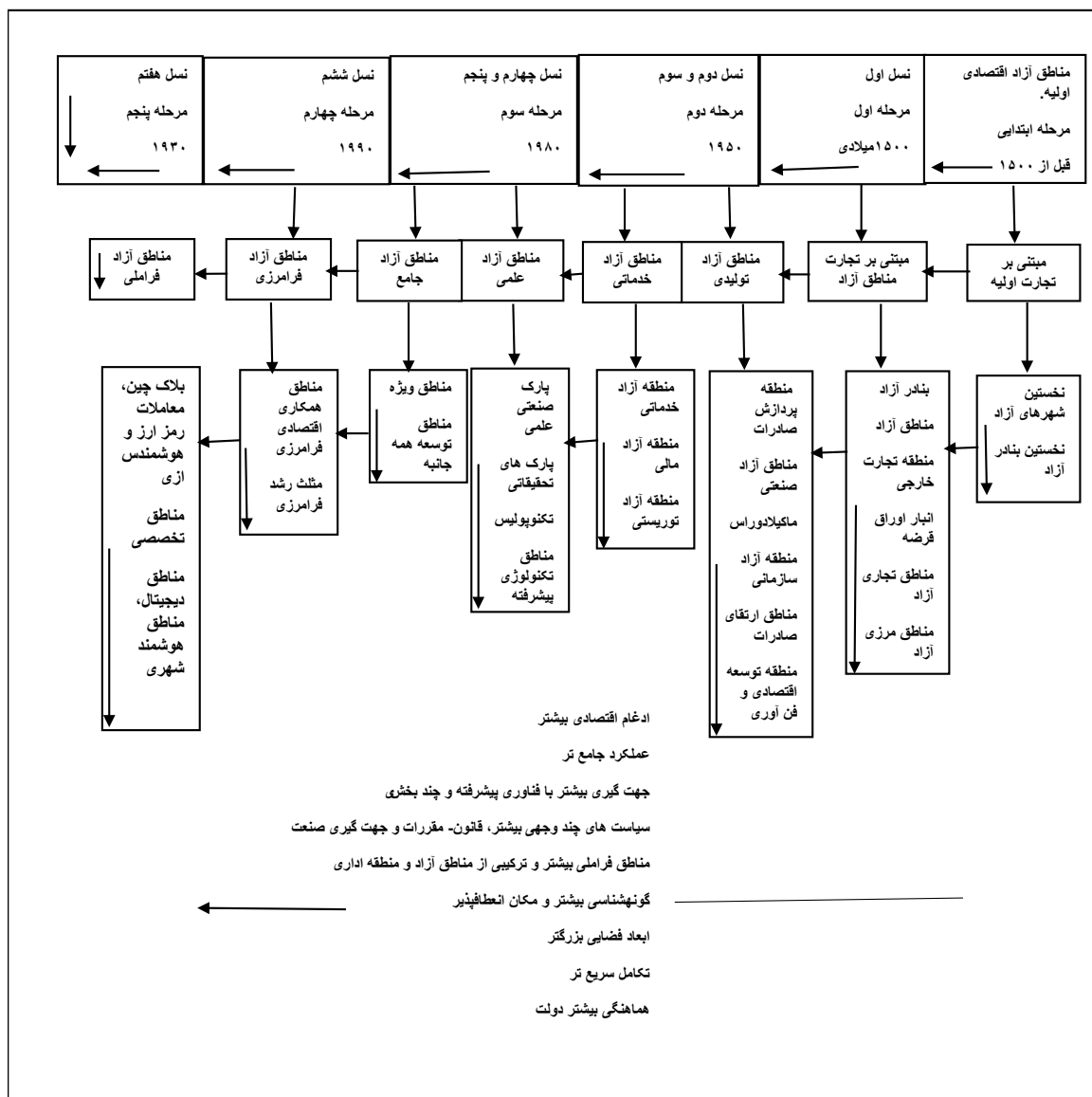
جدول ۱ نسل‌های مناطق آزاد

نسل هفتم مناطق آزاد فرامرزی	نسل ششم مناطق آزاد فرامرزی	نسل پنجم مناطق آزاد نسل جامع	نسل چهارم مناطق آزاد علم محور	نسل سوم مناطق آزاد خدمات محور	نسل دوم مناطق آزاد	نسل اول مناطق آزاد	مناطق آزاد اولیه	نسل های مناطق آزاد
	پس از دهه ۱۹۹۰		پس از دهه ۱۹۸۰		پس از دهه ۱۹۵۰	قبل از دهه ۱۹۵۰	قبل ۱۵۰۰	دوره قبل
بلاک چین، معاملات رمز ارز و هوشمندسازی مناطق تخصصی علوم، مراکز رشد استارت آپ‌ها، تحقیق و توسعه، بیوتکنولوژی، مناطق دیجیتال، مناطق هوشمند شهری	مثلث رشد. منطقه فرامرزی اقتصادی مشارکتی. منطقه ادغام اقتصادی متقابل. ادغام اقتصاد جهانی.	منطقه آزاد اقتصادی. منطقه ویژه اقتصادی. منطقه آزاد جامع پورت رایگان. منطقه آزاد تجاری	پارک تحقیقاتی/ مناطق مثلث تحقیق پارک های فناوری پارک علمی/ پارک های علمی پارک های با تکنولوژی بالا مبتنی بر علم پارک ها علم و پارک فناوری مبتنی بر علم پارک صنعتی توسعه فناوری پارک ها جدید و بالا تکنولوژیکی توسعه منطقه شهر علم/ شهرک علمی قطب تکنولوژی. شهرک دانشگاهی دهکده سیلیکون/ جزیره سیلیکون با تکنولوژی بالا منطقه صنعتی	منطقه آزاد حرفه ای. منطقه آزاد خدماتی. منطقه آزاد بانکداری. منطقه آزاد بیمه . منطقه آزاد چراغ قرمز. منطقه آزاد قمار. منطقه آزاد درمانی. منطقه آزاد گردشگری.	منطقه پردازش صادرات بدون عوارض گمرکی. منطقه آزاد صادرات. منطقه آزاد تولیدی. منطقه پردازش صادرات صنعتی. منطقه آزاد صنعتی. منطقه تشویق سرمایه گذارای. منطقه شرکت مشترک. منطقه آزاد سازمانی. منطقه مفصل کارآفرینی. منطقه صادرات ممتاز. منطقه پردازش واردات ماکیلا دورا. منطقه آزاد پردازش صادرات کشاورزی. منطقه آزاد کشاورزی. منطقه توسعه اقتصادی و فنی.	شهرهای آزاد. بندرهای آزاد. شهرهای آزاد. بندرهای آزاد. منطقه گمرکی. منطقه معاف از عوارض. منطقه تجاری بدون مالیات. منطقه معاف از مالیات. منطقه آزاد تجاری. منطقه تجارت خارجی. منطقه آزاد مرزی. منطقه ترانزیت. مناطق حمل و نقل. مرز آزاد منطقه.		

تکامل مناطق آزاد را می‌توان به پنج مرحله طبقه‌بندی کرد. مرحله اولیه مناطق تجاری و بنادر آزاد بودند (قبل از ۱۵۰۰)، مرحله اول با مناطق آزاد تجاری مبتنی بر تجارت، مانند بندر آزاد، از دهه ۱۵۰۰ به وجود آمدند. مرحله دوم در مناطق آزاد و مناطق آزاد مالی از دهه ۱۹۶۰ خود را نشان داد. مرحله سوم با مناطق اقتصادی آزاد جامع، مانند مناطق مبتنی بر علم و تکنوپولیس از دهه ۱۹۸۰ نمایان شدند. مرحله چهارم مناطق آزاد فرامرزی، مانند منطقه همکاری اقتصادی فرامرزی و مثلث رشد فرامرزی از دهه ۱۹۹۰ تجسم یافته است. مرحله پنجم که جدیدترین مرحله است و مربوط به ارزش‌های دیجیتال می‌شود. در واقع می‌توان گفت تکامل مناطق آزاد در طول زمان سریع شده است. در حالی که چندین قرن بین مرحله اول و دوم سپری شد، تنها حدود ۲۰ سال طول کشید تا مناطق آزاد از مرحله دوم به مرحله سوم و حدود ۱۰ سال طول کشید از مرحله سوم به مرحله چهارم تکامل یابد.

تکامل مناطق آزاد از نسل اول تا ششم و حتی هفتم با توجه به تحول بخش‌های اقتصاد جهانی شکل گرفته است، مناطق آزاد مبتنی بر تجارت به عنوان اولین تکامل، مناطق آزاد مبتنی بر تولید به عنوان دومین، مناطق آزاد مبتنی بر خدمات به عنوان سومین، مناطق آزاد مبتنی بر علم به عنوان چهارمین؛ مناطق آزاد جامع به عنوان پنجمین و مناطق آزاد فرامرزی به عنوان ششمین مرحله از تکامل خود بودند. برخی از آن‌ها نقش برجسته‌ای در مرحله تکاملی ایفا کردند. به عنوان مثال، بندر آزاد هامبورگ در مرحله اول. هنگ کنگ، شانژن در مرحله دوم؛ سنژن و دهکده سیلیکون در مرحله سوم؛ و منطقه آزاد بین سنگاپور، اندونزی و مالزی و منطقه در مرز آلمان، هلند و بلژیک در مرحله چهارم. (meng, 111, 2005) مدل زیر مراحل تکمیل نسل‌های مناطق آزاد را توضیح می‌دهد.

نمودار ۳ تکامل نسل های مناطق آزاد



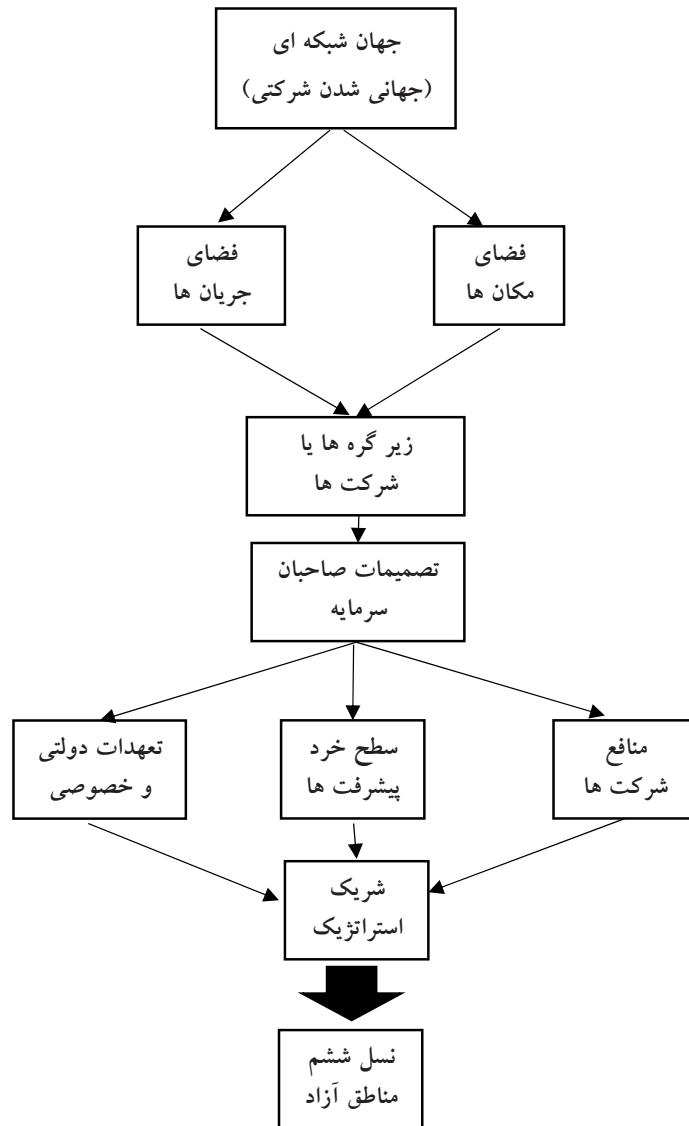
نسل ششم

ششمین نسل دارای رسالت هم پیوندی منطقه‌ای در تعامل با سرزمین اصلی مبتنی بر آموزه همگرایی اقتصادی منطقه‌ای برای کسب درآمد ارزی و ایجاد ارزش افزوده است. مناطق آزاد اقتصادی فرامرزی مفهومی، پذیرفته شده است که هر دو مفهوم منطقه آزاد اقتصادی و همگرایی اقتصادی منطقه‌ای را دربردارد. دولت‌های همجوار، اینگونه مناطق را در یک محدوده فرامرزی با ساختار اداری پیشرفته و سازمان یافته بر مبنای همکاری، شکل می‌دهند. نظام اداری این مناطق و شرکت‌های مادر تخصصی شکل یافته، مسئولیت اصلی مشارکت و توسعه اقتصادی را برعهده

می‌گیرند. سیاست‌های ترجیحی اقتصادی و حمایت‌های مالی دولتی و غیردولتی به همراه زیرساخت‌های پیشرفته، باعث می‌شود تا مناطق آزاد فرامرزی بتوانند بر پایه سیاست اقتصاد مبتنی بر بازار، به اهداف بلندمدت اقتصادی و سیاسی خود دست یابند. این نسل بر اساس آموزه‌های همگرایی منطقه‌ای برای کسب درآمد ارزی و ایجاد ارزش افزوده تولیدی به وجود آمده، وظیفه ایجاد هم‌پیوندی منطقه‌ای را در تعامل با سرزمین‌های داخلی کشورها دارا است. این نسل از مناطق، مناطق آزاد اقتصادی فرامرزی نامیده می‌شوند که ماحصل توسعه مناطق آزاد بوده و بین مرزهای دو یا چند کشور قرار دارند که در اثر آن، معافیت‌ها و تسهیلات بیشتری اعطا می‌شود. البته برخی از مناطق آزاد بین مرزی و فرامرزی را جدا فرض می‌کنند که ویژگی‌های آن‌ها به هم نزدیک است. این نام‌گذاری‌ها، هر دو مفهوم مناطق آزاد اقتصادی و همگرایی اقتصادی منطقه‌ای را دربر می‌گیرد و دولت‌های همجوار بر مبنای همکاری با یکدیگر، این گونه مناطق را در محدوده بین مرزی و با ساختار اداری پیشرفته و سازمان یافته شکل می‌دهند. نظام اداری این مناطق مسئولیت مشارکت و توسعه اقتصادی را بر عهده داشته و سیاست‌های ترجیحی اقتصادی و حمایت‌های مالی دولتی و غیر دولتی، به همراه زیرساخت‌های پیشرفته باعث می‌شود تا مناطق آزاد فرامرزی بتوانند بر پایه اقتصاد مبتنی بر بازار، به اهداف بلند مدت اقتصادی و سیاسی خود دست یابند. امروزه تمام کشورها به سمت نسل ششم مناطق آزاد پیش می‌روند. در این نسل از مناطق آزاد به صورت فرا منطقه‌ای عمل می‌کنند و با پیوندهای مشترکی که با مناطق مشابه خود در کشورهای دیگر ایجاد می‌کنند، در جهت تامین نیازهای کشور خود حرکت می‌کنند. این مناطق در ترویج همگرایی اقتصادی منطقه‌ای، همکاری اقتصادی منطقه‌ای و همچنین توسعه ملی و توسعه صنعتی داخل کشورها نقشی راهبردی بازی می‌کنند (خلیلی، ۱۴۰۱، ۷۵). در ایران این نسل از مناطق آزاد در تعامل منطقه‌ای با برخی از کشورها مورد توجه قرار گرفته، ولی هنوز به مرحله اجرا در نیامده است. از جمله این مناطق می‌توان به تاسیس منطقه آزاد اقتصادی برای همکاری‌های منطقه‌ای ارمنستان، ترکمنستان، گرجستان و ایران برای استفاده از زیر ساخت‌ها و ورود مشترک این کشورها به بازار اوراسیا و اتحادیه اروپا اشاره کرد. مرز زمینی نوردوز در منطقه آزاد ارس تنها مرز زمینی ارتباط دهنده ایران با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا که موقعیت ترانزیتی مناسبی را به وجود آورده است. این موقعیت ارتباطات دریایی مناطق ویژه اقتصادی بندر امیرآباد، نوشهر، آستارا و منطقه آزاد انزلی را با کشورهای قزاقستان و روسیه از طریق دریای خزر فراهم می‌کند می‌کنند (خلیلی، ۱۴۰۱، ۷۵).

از این‌رو جهان شبکه‌ای از دو بخش فضای جریان‌ها و فضای مکان‌ها تشکیل شده است. فضای مکان‌ها یا گره‌ها خود متشکل از زیرگره‌ها یا شرکت‌ها هستند. این شرکت‌ها خود متأثر از تصمیم صاحبان سرمایه عمل می‌کنند. تصمیم صاحبان سرمایه از سه عامل تأثیر می‌پذیرند: ۱- تحولات مثبت و منفی در منافع شرکت‌ها مانند هزینه نیروی کار، مهارت‌های نیروی کار و سهولت انجام تجارت ۲- پیشرفت‌ها در سطح خرد شرکت‌ها یعنی جایی که آن‌ها توانایی‌های خود را یا توسعه می‌دهند یا از دست می‌دهند مثلاً شرکت‌ها نوآوری‌هایی جدید را بکار می‌گیرند یا همان تولید قبل را گسترش می‌دهند ۳- تعهد نهادی از سوی سازمان‌های دولتی، موسسات تحقیقاتی و انجمن‌های تجاری است که نقش بازیگران دولتی و خصوصی بسیار عاملیت دارد. از آنجایی که زیرگره‌ها در اقتصاد شبکه‌ای دارای سلسله مراتب هستند لذا ممکن است که این زیرگره‌ها در عرصه رقابت بازار جهانی و زنجیره ارزش یا ارتقا یابند و یا محو شوند. از این‌رو شرکت‌ها برای حفظ جایگاه خود در عرصه رقابت اقدام به پیدا کردن شریک یا جفت استراتژیک در ورای مرزهای دولت-ملت‌ها می‌کنند. که اگر درون یک کشور بهره‌وری شرکت‌ها به هر دلیلی کم شد کشور دیگری بتواند منافع آن شرکت را تضمین کند. مهمترین راه پیدا کردن شریک استراتژیک ایجاد مناطق آزاد نسل ششم بین چند کشور است که منافع آنها را به هم گره می‌زند.

شکل ۱ مدل مفهومی منطقه آزاد نسل ششم



از جمله مناطق آزاد نسل ششم می‌توان به مناطق آزاد فرامرزی میان کشورهای سنگاپور، مالزی و اندونزی و بین کشورهای تایلند، مالزی، سوماترا و یا در منطقه مکنونگ ریور میان کشورهای چین، تایلند، برمه، لائوس، ویتنام و کامبوج اشاره کرد.

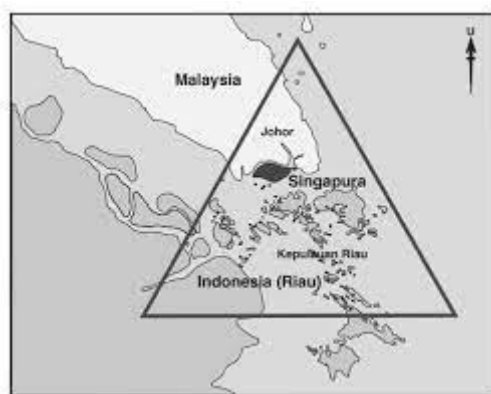
تجارب جهانی نسل ششم مناطق آزاد

مثالث رشد (SIJORI)

در اوایل دهه ۱۹۹۰، مناطق آزاد نسل ششم به عنوان راهی برای درک و ترویج توسعه صنعتی

منطقه‌ای در آسیا محبوبیت پیدا کردند. این اصطلاح برای اشاره به مناطق پویای اقتصادی ابداع شدند که از مرزهای ملی عبور می‌کنند. این مناطق که با اقتصاد جهانی مرتبط بودند، به عنوان راهکاری برای رشد و توسعه اقتصادی انتخاب می‌شدند. این نوع از مناطق آزاد به دلیل مزیت‌های نسبی مکمل و فاصله‌های نزدیک به هم، دارای دوام بیشتری نسبت به دولت-ملت‌ها بودند. از جمله مهمترین آن‌ها می‌توان به مثلث رشد جزایر سنگاپور، جوهور و ریاو همراه با مجتمع تولیدی هنگ کنگ-شنژن، نام برد.

شکل ۲ مثلث رشد (SIJORI)



از جمله عواملی که باعث می‌شود این مناطق انتخاب شوند شامل: نزدیکی جغرافیایی برای کاهش هزینه مبادله، دسترسی به منابع و دارایی‌ها در کشورهای همسایه، مکمل اقتصادی بودن، مجاورت و اتصال با کشورهای همسایه، تفاوت در مواهب و دارایی‌ها مانند نیروی کار، زمین، زیرساخت، میزان سرمایه و سطح فن‌آوری است. چنین مناطقی می‌توانند با ترکیب موقعیت‌ها و عملکردها در اقتصاد شبکه‌ای نقاط گره‌ای را (در زنجیره ارزش جهانی) به وجود آورند. مثلث رشد سنگاپور-جوهور-ریاو که در اواخر دهه ۱۹۸۰ ایجاد شد، اولین چارچوب همکاری منطقه‌ای در آسیای جنوب شرقی است که با این هدف به وجود آمد. این مثلث رشد در سال ۱۹۸۹ راه اندازی شد و سنگاپور، ایالت جوهور مالزی و جزیره باتام در اندونزی را در بر می‌گرفت و سعی کرد این مناطق را به عنوان یک «مقصد سرمایه گذاری واحد» به بازار عرضه کند. سنگاپور «هسته» منطقه بود و جوهور و باتام زمین، نیروی کار را داشتند. در طول دهه ۱۹۹۰، جریان سرمایه‌گذاری به ویژه در صنعت برق و الکترونیک، منعکس کننده این تقسیم کار بود.

آسیای جنوب شرقی در دوره پس از جنگ جهانی دوم مکانی با پویایی‌های بسیار از جمله

تقویت روابط خارجی، کاهش تنش‌های درون منطقه‌ای و افزایش امنیت داخلی تلقی می‌شد. اگرچه شورش‌های محلی، اختلافات سیاسی و واگرایی‌های ایدئولوژیکی همچنان وجود داشت، اما پیشرفت‌های زیادی در زمینه همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای وجود داشت. این دستاورد در اجلاس سران بالی در سال ۱۹۷۶، زمانی که همکاری رسمی در کشورهای آسه آن اعلام شد، تشویق و رسمیت یافت. در این چارچوب، معاون وقت نخست‌وزیر سنگاپور، گو چوک تانگ، تأسیس مثلث رشد جزایر سنگاپور-جوهور-ریاو را در سال ۱۹۸۹ با هدف ارتقای همکاری اقتصادی بیشتر بین سه منطقه همسایه اعلام کرد. منطقه‌ای که قبلاً توسط روزنامه‌نگار لوموند با عنوان «مثلث طلایی سنگاپور» در نظر گرفته شده بود. در داخل این منطقه، دلایل نظری زیادی برای این همکاری منطقه‌ای توسط مقامات و محققان بیان شده بود. از جمله آن‌ها، انتظار بهبود توزیع مجدد، مبادله تجاری و همچنین مزیت نسبی منطقه‌ای، مانند جریان‌های عظیم سرمایه‌گذاری خارجی، مجاورت جغرافیایی، نیروی کار، سرمایه، فناوری و غیره می‌توان نام برد. سنگاپور به عنوان مهم‌ترین مرکز تجاری و مالی در آسیای جنوب شرقی، دارای سرمایه قابل توجه، نیروی کار ماهر، فن‌آوری بالا، دسترسی آسان به بازارهای جهانی و زیرساخت‌های پیشرفته بود. در مقابل، در جوهور و جزایر ریو این مزایا وجود نداشت و سطح پایین توسعه مانع رشد اقتصادی آن‌ها می‌شد. سنگاپور یک جزیره بسیار کوچک بدون منابع طبیعی، زمین کافی و نیروی کار غیر ماهر بود، ولی در جزایر جوهور و ریو در مجاور آن این منابع وجود داشتند و به ندرت استفاده می‌شدند. انتظار می‌رفت چنین تفاوت‌های تکمیلی به گسترش همکاری‌های سه جانبه بر اساس جابجایی صنایع، ایجاد زنجیره‌های لجستیک جدید و بهینه‌سازی ساختار اقتصادی کمک کند. و در نتیجه یکپارچگی منطقه‌ای را تقویت کند. به این ترتیب این ابتکار مورد توجه سایر مناطق قرار گرفت. و موجب شد تعداد بیشتری از شرکت‌های کشورهای مالزی و اندونزی به این مشارکت ملحق شوند. در نتیجه یادداشت تفاهم (ام او یو) در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۴ توسط نمایندگان کشورهای شرکت کننده برای گسترش مثلث رشد به یک گروه جدید، یعنی مثلث رشد اندونزی، مالزی، سنگاپور امضا شد. این اقدام به عنوان یک گام بزرگ در همکاری‌های زیر منطقه‌ای مورد استقبال قرار گرفت و به عنوان الگویی برای همکاری اقتصادی بیشتر در آسه آن در نظر گرفته شد.

تولید صنعتی در شمال سنگاپور و اندونزی به جزیره جوهور نیز منتقل شد. جنوب مثلث رشد

که در سال ۱۹۸۹ راه اندازی شد و در ابتدا سنگاپور، جوهور و جزیره باتام را در بر می گرفت. برای بازاریابی این سه منطقه به عنوان یک «مقصد واحد سرمایه گذاری» در نظر گرفته شدند: سطح بالایی از ارتباطات، ساختارهای مختلف هزینه، و درجه قابل توجهی از سرمایه سیاسی در نظر گرفته شد. در طول دهه بعد، شرکت‌های چندملیتی مستقر در سنگاپور و شرکت‌های سنگاپوری و سوسه شدند که شعبه‌های خود را به جوهور و باتام منتقل کنند. صنعت برق و الکترونیک در این قسمت از مثلث رشد بسیار برجسته بود. با توجه به مزایا و قابلیت‌های نسبی متمایز ارائه شده توسط این سه مکان، سطوح قابل توجهی از سرمایه گذاری مستقیم خارجی به مناطق تشکیل دهنده سرازیر شد. به ویژه در شاخه‌های الکترونیک، قطعات و دستگاه‌های الکتریکی.

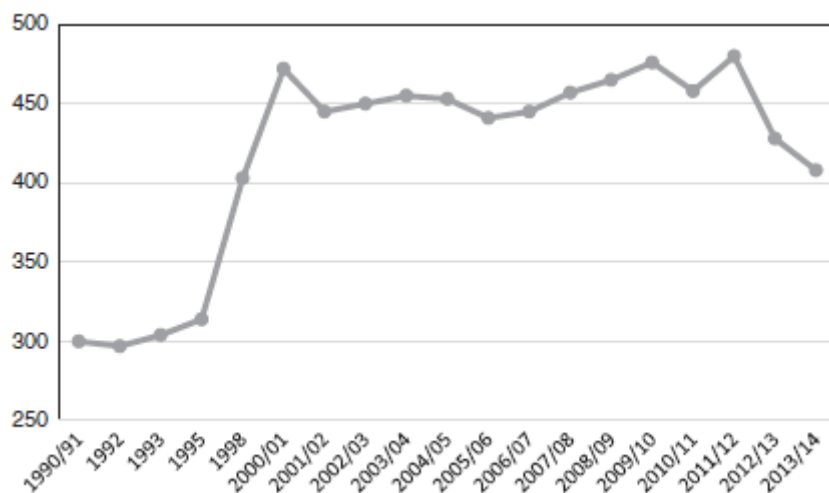
در دهه ۱۹۶۰، سنگاپور و پنانگ در مالزی شروع به مونتاژ تولیدات سبک مانند قطعات رادیویی و نیمه‌هادی‌ها برای بازارهای آمریکا و ژاپن کردند. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، با ادامه جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی، سنگاپور به «هسته» منطقه تبدیل شد. این دولت شهر با کمک منابع مالی، تکنولوژیکی و مدیریتی خود، شروع به حرکت به سمت حوزه‌های تولیدی پیچیده‌تر و دارای مهارت‌های بیشتر کرد. پس از سال ۲۰۰۰، سنگاپور میزبان مراکز تدارکات و تأسیسات تحقیق و توسعه شد. کشورهای آسیای جنوب شرقی مانند مالزی، تایلند، فیلیپین و اندونزی با اعمال نفوذ بر سیاست‌های اقتصاد کلان و چارچوب‌های سرمایه گذاری خود، شروع به حرکت به سمت تولید با نیروی کار بیشتری کردند. با در نظر گرفتن زمینه‌های نهادی، ابتکارات سیاستی و رفتار شرکت‌ها، تنوع قابل توجهی در توسعه صنعت برق و الکترونیک در مکان‌های مختلف به وجود آمد. سنگاپور و تا حدودی پنانگ همچنان از نظر فناوری و فرآیندهای تولید پیش‌تاز بودند. با گذشت زمان، شرکت‌های چند ملیتی مجموعه پیچیده‌ای از شبکه‌های تولید را در سراسر کشورها ایجاد کردند. در این فرآیند، شرکت‌ها به دنبال بهره‌برداری از مزیت نسبی مناطق مختلف بودند. این امر به آن‌ها اجازه داد تا از یک سو سطح فناوری را با محیط و قابلیت‌های آن مطابقت دهند و از سوی دیگر زنجیره‌های تولید منطقه‌ای را از طریق شبکه سازی توسعه دهند.

این پیشرفت‌ها منجر به جریان منابع قابل توجهی به دو مکان غیر اصلی شد. از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷، جوهور به طور متوسط ۸۰۰ میلیون دلار آمریکا سرمایه گذاری تولیدی خارجی در سال دریافت کرد که تقریباً چهار برابر افزایش نسبت به دهه قبل بود. به طور مشابه، سرمایه گذاری مستقیم خارجی به باتام از سطوح ناچیز در دهه ۱۹۸۰ به میانگین ۲۳۰ میلیون دلار در سال از سال

۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ افزایش یافت. تا جایی که مقامات مالزی و اندونزی نگرانی‌های خود را در مورد ماهیت نیروی کار بر سرمایه‌گذاری ابراز کردند. این نگرانی‌ها به دلیل حجم سرمایه‌گذاری و ایجاد شغل بیش از حد بود. تحقیقات انجام شده در دوره اولیه مثلث رشد این فرآیندها را (۱) یک مجتمع تولیدی یکپارچه منطقه‌ای. (۲) یک صنعت و ساختار شرکتی مبتنی بر مکمل بودن عوامل تولید واقع در مجاورت همدیگر. (۳) یک ساختار استراتژیک از دیدگاه سنگاپور که به حفظ صنایع و شرکت‌ها در منطقه اجازه می‌دهد و در عین حال زنجیره ارزش را بالا می‌برد. (۴) افزایش پیوندهای تولید و همچنین تقسیم کار اصلی/غیر هسته‌ای که سه قلمرو را به هم پیوند می‌دهد، و (۵) فضایی که در آن قطعات غیر اصلی موقعیتی فرعی به خود اختصاص داده‌اند را تایید کرد.

چنانچه از نمودار مشخص است ارزش تولید صنعت برق و الکترونیک در این مدت سه برابر افزایش یافت و ارزش افزوده صنعت برق و الکترونیک نیز بیش از سه برابر افزایش یافته است.

نمودار ۴: رشد صنعت برق و الکترونیک



داده‌های موجود نشان می‌دهد که در طول دهه ۱۹۸۰، تولید لوازم الکترونیکی و قطعات الکترونیک صنعتی، به ویژه درایوهای دیسک، تجهیزات جانبی کامپیوتر، سیستم‌های کامپیوتری و مدارهای مجتمع، و همچنین صنایع پشتیبان متنوع شدند (Mathews and Cho 2000; McKendrick et al. 2000).

در این سال‌ها در حالی که تولید لوازم الکترونیکی کاهش می‌یابد، سایر فضاهای تولیدی و

صنعتی پیچیده‌تر از نظر فناوری مانند نیمه‌رساناها به طور قابل توجهی گسترش یافتند. در واقع، از تنها ۱۶ درصد در سال ۱۹۹۷، نیمه هادی‌ها اکنون بیش از نیمی از صادرات داخلی صنعت برق و الکترونیک را تشکیل می‌دهند. صادرات رایانه‌های شخصی، قطعات و بردها و همچنین تجهیزات مخابراتی تقریباً ثابت مانده است. برعکس، صادرات وسایل برقی نیز افزایش چشمگیری داشته است. در طول دوره ۱۹۹۰-۲۰۱۴، تعداد مؤسسات صنعت برق و الکترونیک در ابتدا به طور قابل توجهی افزایش یافت، از ۳۰۰ واحد به حدود ۴۷۰ واحد در سال ۲۰۰۱ افزایش یافت. به دنبال آن، تعداد شرکت‌ها اندکی کاهش یافت - به احتمال زیاد تحت تأثیر رکود صنعت جهانی در این دوره - قبل از اینکه در ده سال آینده ثابت بماند. پس از سال ۲۰۱۲، جمعیت شرکت‌ها مجدداً کاهش یافت و به حدود ۴۱۰ عدد در سال ۲۰۱۴ رسید.

بنابراین، در سراسر این سه مکان، با افزایش تعداد شرکت‌های هر سه گره، الگوهای ورود و خروج تا سال ۲۰۰۱ تقریباً مشابه است با این حال، پس از این تاریخ، ثروت آن‌ها متفاوت می‌شود. سنگاپور و جوهور تا حد زیادی ثابت مانده‌اند و باتام تعداد شرکت‌های قابل توجهی را از دست داده است. با توجه به تفکیک ملیت و تصدی، جوهور اشتراکات و تفاوت‌هایی را با سنگاپور نشان می‌دهد. اول، مانند دولت شهر سنگاپور، شرکت‌های ژاپنی، سنگاپوری، آمریکایی و اروپایی بزرگترین گروه‌ها را تشکیل می‌دهند. با این حال، شرکت‌های ژاپنی بزرگترین زیر گروه و سنگاپوری‌ها دومین گروه بزرگ را تشکیل می‌دهند. علاوه بر مشارکت شرکت‌های داخلی، شرکت‌های مالزیایی، بسیار کمتر از سنگاپور اهمیت دارد. جالب اینجاست که دوره تصدی شرکت‌ها به میزان زیادی طولانی تر است، یعنی ۹ سال و ۹ ماه. به دلیل ارتباطات تولیدی با سنگاپور، به احتمال زیاد تنها شرکت‌های بزرگتر و با سابقه‌تر به جوهور می‌روند و در نتیجه به دوره تصدی طولانی‌تر آن‌ها کمک می‌کنند. با توجه به طول مدت تصدی، شرکت‌های ژاپنی، ژاپنی/مالزیایی و سنگاپوری دوره تصدی طولانی‌تر از میانگین داشتند و شرکت‌های آمریکایی شمالی و مالزی دوره تصدی نسبتاً کوتاهی داشتند. از نظر ملیت، شرکت‌های صنعت برق و الکترونیک در باتام، شرکت‌های سنگاپوری بزرگترین گروه را تشکیل می‌دهند که کمتر از یک سوم را تشکیل می‌دهند. شرکت‌های وابسته ژاپنی به دنبال آن هستند که کمی کمتر از یک چهارم را تشکیل می‌دهند. ملیت‌های مهم دیگر عبارتند از: ایالات متحده آمریکا، سرمایه گذاری مشترک ژاپنی/سنگاپور و اندونزیایی‌ها.

با احتساب سرمایه‌گذاری‌های مشترک، شرکت‌های سنگاپوری و ژاپنی تقریباً ۶۰ درصد از شرکت‌های باتام را تشکیل می‌دهند. متوسط دوره تصدی شرکت در باتام ۱۰ سال و ۳ ماه است و شرکت‌های ژاپنی، ژاپنی/سنگاپوری و آمریکایی بیش از متوسط آن‌ها طول عمر دارند. بنابراین، در سه مکان، بزرگترین تعداد شرکت‌های سنگاپوری، ژاپنی و آمریکایی وجود دارند. تفاوت جوهور در این است که شرکت‌های ژاپنی بیشترین تعداد را دارند، در حالی که در سنگاپور و باتام، شرکت‌های سنگاپوری بیشتر هستند. باتام با داشتن شرکت‌های اروپایی بسیار، کمی متفاوت است. برخلاف سنگاپور، که شرکت‌های محلی بزرگترین گروه را تشکیل می‌دهند، دو مکان غیر اصلی با حضور بسیار محدود شرکت‌های محلی مشخص شده‌اند.

در جوهور در سال ۱۹۹۵، شعبه‌هایی که بیشترین تعداد شرکت‌ها را داشتند عبارتند از: لوازم الکترونیکی، قطعات و بردهای الکترونیکی و وسایل الکتریکی. در سال ۲۰۱۲، این سه شعبه همچنان بزرگترین بودند. تنها گروه قابل توجه دیگر شرکت "مدیریت تجربه مشتری" است که در طول دوره مورد مطالعه گسترش یافت. بنابراین، صنعت جوهور در شاخه‌هایی با ارزش افزوده نسبتاً پایین متمرکز شده است و این مشخصات تغییر نکرده است.

در واقع مثلث رشد به طور قابل توجهی از مکمل‌های متقابل سه اقتصاد درگیر استفاده کرد. این سه اقتصاد در مراحل مختلف توسعه بودند. چنین شرایطی به آنها کمک کرد تا با استفاده از مزیت نسبی و رقابتی خود به بهترین نحو از همکاری نزدیک‌تر بهره ببرند. منطقه رشد به دینفعان اجازه داد تا نقاط قوت و رقابت فردی را ترکیب کنند تا منطقه به مقصدی جذاب برای سرمایه‌گذاران منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شود. به دنبال تلاش بزرگ سه دولت در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، پیشرفت قابل توجهی در بسیاری از جنبه‌ها به وجود آمد. رشد اقتصادی جوهور و جزایر ریاو به ترتیب حتی بالاتر از میانگین ملی بود.

جدول ۲ رشد ناخالص داخلی

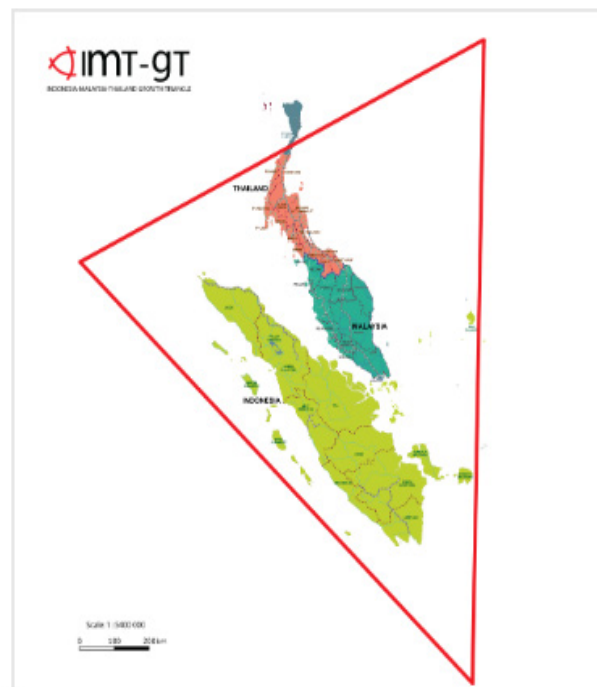
	1994	2003	2005	2007	2009	2011	2013	2017	
Singapore (S\$ billi.)									
GDP (at current price)	112.7	170	212.1	271.2	279.9	346.7	378.5	408.1	422.7
Growth rate (2010 constant price)	10.9%	4.4%	7.5%	8.9%	-0.1%	6.2%	5%	1.9%	3.6%
Johor (RM billi.)									
GDP (at current price)	16.6	46.1	50	59.8	62.5	80.3	91.4	106.7	119.8
Growth rate (2005 constant price)	9.6%	4.1%	4.2%	4.1%	-3.0%	6.4%	4.7%*	5.6%*	6.2%*
% of total national GDP	6.3	9.0	10.2	9.8	9.4	9.6	9.2	8.5	8.2
The Riau Islands (IDR trilli.)									
GDP (at current price)	143.2	32.8	40.9	51.8	63.9	80.2	100.3	124.9	133.8
Growth rate (2000 constant price)	12.1% [™]	-	6.6%	7.0%	3.5%	6.7%	6.1%	6.0%*	2.0%*
% of total national GDP	-	1.67	1.53	1.46	1.37	1.33	1.32	1.29	1.27

بحث فوق نشان می‌دهد که ساختارهای اقتصادی مکمل و مجاورت جغرافیایی امکان همکاری را به وجود آورده است، اما همکاری فرامرزی کارآمدتر و سازگارتر نیازمند پویایی بیشتری برای حذف تضاد منافع و همگرایی است.

مثلث رشد اندونزی، مالزی و تایلند (IMT-GT)

مثلث رشد اندونزی-مالزی-تایلند (IMT-GT) یک نمونه کلیدی از منطقه آزاد تجاری بین تایلند، مالزی و سوماترا (اندونزی) است. این منطقه آزاد که در سال ۱۹۹۳ تأسیس شد و بر همکاری و توسعه اقتصادی درون منطقه‌ای از طریق ارتباطات مناطق ویژه اقتصادی و کریدورهای موجود تمرکز کرد.

شکل ۳ مثلث رشد (IMT-GT)



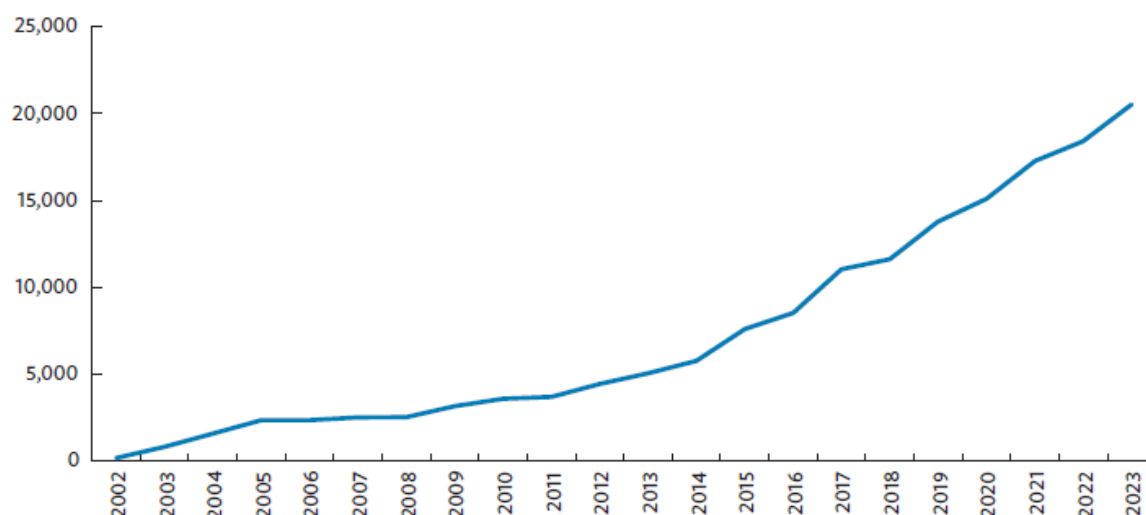
IMT-GT که مخفف مثلث رشد اندونزی، مالزی و تایلند است، یک طرح همکاری درون منطقه‌ای است که قبلاً توسط دکتر ماهاتیر محمد، نخست وزیر چهارم مالزی پیشنهاد شده بود. این همکاری مشترک در سال ۱۹۹۳ با انگیزه بیشترین استفاده از مزیت نسبی ایجاد شد. این پروژه که تحت رهبری بخش خصوصی شکل گرفت، هدف آن افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری در سه کشور شرکت کننده بود. این مثلث رشد یکی از زیرمنطقه‌های تشکیل شده تحت آسه آن است که از نظر اقتصادی ارتباط زیادی با آن دارد.

موضوع اصلی که امروزه به طور گسترده در این منطقه مورد بحث قرار می‌گیرد، موضوع اختلاف منطقه‌ای بین ایالت‌ها و استان‌های شرکت کننده در IMT-GT است. واحد تحلیل آسیای شرقی استرالیا (۱۹۹۵) توصیف کرد که IMT-GT با یک چالش بزرگ روبرو خواهد شد که شامل مدیریت توزیع متعادل منافع بین ایالت‌ها و استان‌های شرکت کننده است.

واحد تحلیلی آسیای شرقی ادعا کرد که مثلث رشد اندونزی-مالزی-تایلند به دلیل شناخت مزایایی مانند مکمل‌های منابع طبیعی، برای ایجاد تجارت و سرمایه‌گذاری درون منطقه‌ای مناسب است. تحقیقات دیگری وجود دارد که از یافته‌های این گزارش حمایت می‌کند. این مثلث رشد

می‌تواند مزایای درون منطقه‌ای را از نظر مکمل‌های اقتصادی و همچنین منابع طبیعی مناسب افزایش دهد. از این رو لازم است سایر فعالیت‌های اقتصادی به هم مرتبط شوند تا این نوع از منطقه گرایی اقتصادی به یکپارچگی برسد.

نمودار ۵ میزان سرمایه گذاری کشورهای منطقه



اما باید اضافه کرد که نابرابری‌های منطقه‌ای و نرخ رشد پایین آن‌ها یک مسئله اقتصادی و سیاسی حیاتی برای اکثر کشورهای درون این منطقه بود. با درک این واقعیت تکان دهنده، این مثلث رشد توجه بسیاری را از سراسر جهان برای مقابله با این موضوع جلب کرد تا از پیامدهای نامطلوب آن برای توسعه اقتصادی کل‌نگر جلوگیری کند. نقطه مثبت مثلث رشد اندونزی-مالزی-تایلند این است که هدف آن افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری در بین سه کشور است. با این حال، شواهد نشان می‌دهد که پیشرفت توسعه در این زیر منطقه یا راکد یا کند است.

نمودار ۶ سرمایه گذار مستقیم خارجی درون منطقه ای



این مثلث رشد شامل این استان‌ها می‌شود: ۱۴ استان در جنوب تایلند، هشت ایالت شبه جزیره مالزی و ۱۰ استان در جزیره سوماترا هستند. ۱۴ استان در جنوب تایلند عبارتند از کرابی، ناخون سی تامارات، ناراتیوات، پاتانی، فتالونگ، ساتون، سونگخلا، ترانگ، یالا، چامفون، رانونگ، سورات تانی، فانگ نگا و پوکت. هشت ایالت شبه جزیره مالزی عبارتند از: کداه، کلاتنان، ملاکا، نگری سمبیلان، پنانگ، پراک، پرلیس و سلانگور. و سوماترا در اندونزی نیز شامل: آچه، بانگکا-بلیتونگ، بنگکولو، جامبی، لامپونگ، سوماترای شمالی، ریاو، جزایر ریاو، سوماترای جنوبی و سوماترای غربی است.

از زمان آغاز به کار این منطقه در سال ۱۹۹۳، برنامه زیرمنطقه‌ای مثلث رشد اندونزی-مالزی-تایلند (IMT-GT) به رشد اقتصادی قابل توجهی دست یافته است و از طریق مداخلات سیاسی هماهنگ، رونق منطقه‌ای مشترک را به دست آورده است. با این حال، عدم تطابق بین دستاوردهای واقعی و اهداف اعلام شده وجود دارد. بررسی میان‌مدت طرح اجرای مثلث رشد 2012-2016 نشان می‌دهد که دستاوردها از نظر تجارت و سرمایه‌گذاری درون منطقه‌ای بسیار اندک است، که نشان‌دهنده موفقیت محدود کشورهای عضو در استفاده از مزیت‌های نسبی خود برای تبدیل آن به یک پایگاه تولید منطقه‌ای با موقعیت مناسب است. استان‌های زیر مجموعه IMT-GT در هر سه کشور با استفاده از مناطق ویژه اقتصادی، و سایر سایت‌های تولیدی به عنوان ابزارهای کلیدی برای رشد اقتصادی عمل کردند. در واقع پنج کریدور اقتصادی موجود در این منطقه،

اولویت IMT-GT را در مرکز قرار دادند تا اتصال بین مرزی این سایت‌های تولیدی را با بازارها تسهیل کنند و ارتباطات خارجی این شبکه اقتصادی را به حداکثر برسانند. هدف آن‌ها از این اقدامات تقویت تنوع و پیچیدگی زنجیره‌های تولید، تجارت، کشاورزی و گردشگری برای «یک منطقه یکپارچه، نوآورانه، فراگیر و پایدار تا سال ۲۰۳۶» است.

نمودار صادرات کالا درون منطقه ای



با این حال، اطلاعات بسیار کمی در مورد اینکه آیا کریدورهای اقتصادی برای راه اندازی مناطق ویژه و سایر مراکز تولید مورد استفاده قرار می‌گیرند و اینکه آن‌ها تا چه اندازه در ایجاد اثرات جانبی شبکه از طریق همکاری منطقه‌ای موفق بوده‌اند، موجود است. با در نظر گرفتن این موضوع، بانک توسعه آسیایی، شریک توسعه منطقه‌ای این مثلث رشد از سال ۲۰۰۶، به درخواست کشورهای عضو شد.

مثلث طلایی تایلند، لائوس و میانمار

اصطلاح "منطقه آزاد رودخانه مکونگ" احتمالاً به حوضه رودخانه مکونگ یا مناطق خاصی در داخل آن اطلاق می‌شود که برای فعالیت اقتصادی و تجاری ایجاد شد و در آن اغلب تعرفه‌ها و مقررات کاهش یافته است. رودخانه مکونگ از شش کشور چین، میانمار، لائوس، تایلند، کامبوج و ویتنام می‌گذرد و کل حوضه، شرایط قابل توجه برای توسعه اقتصادی و تجاری دارد.

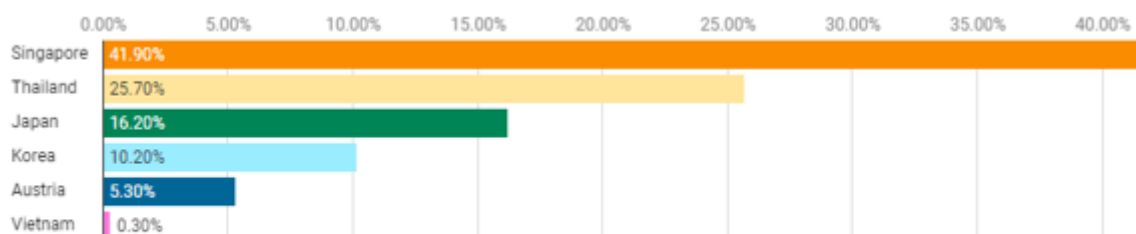
شکل ۴: مثلث طلایی لائوس، تایلند و میانمار



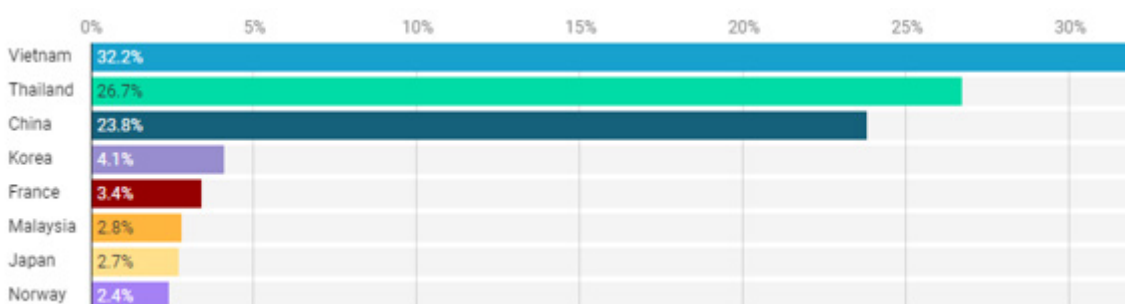
این منطقه شامل چین و پنج کشور آسیای جنوب شرقی در امتداد رودخانه مکونگ است که با هدف تقویت روابط اقتصادی و تجاری از طریق توسعه زیرساخت‌ها و سایر ابتکارات ایجاد شده است. منطقه‌ای که تایلند، لائوس و میانمار در آن به هم نزدیک می‌شوند، به عنوان مثلث طلایی شناخته می‌شود و کانون همکاری‌های اقتصادی فرامرزی برای مناطق آزاد نسل ششم است.

این نوع از مناطق آزاد توسط بانک توسعه آسیا به عنوان ابزاری برای رشد اقتصادی، ایجاد می‌شوند و در کنار کمک‌های توسعه‌ای، حمایت‌های ویژه هم از آن‌ها به عمل می‌آید. بانک توسعه آسیایی پیشنهاد می‌کند که اگر این نوع از مناطق آزاد به درستی طراحی و تنظیم شوند، می‌توانند سرمایه‌گذاری خارجی را جذب کنند، اصلاحات سیاستی را تشویق کنند و صنایع داخلی را بهبود بخشند. به همین منظور مثلث طلایی تایلند، لائوس و میانمار، تحت عنوان طرح همکاری مکونگ توسعه یافته است. و پیش‌بینی شده که پیوندهای اقتصادی برای تایلند، میانمار، لائوس و چین در این منطقه گسترش یابد. برای مثال، ۷۵ درصد از کمک‌های چین به توسعه منابع طبیعی و احداث زیرساخت‌ها اختصاص یافته است. تقریباً نیمی از این کمک‌ها به زیرساخت‌های حمل و نقل مانند ساخت و ساز جاده اختصاص می‌یابد.

نمودار ۸ سرمایه گذاری در منطقه آزاد میانمار



نمودار ۹ سرمایه گذاری در منطقه آزاد لائوس



از آنجایی که اکثر سرمایه‌داران در مناطق آزاد، بخش زیرساخت‌ها را در اولویت خود قرار می‌دهند، در برخی از این مناطق، دولت‌ها به منظور جلب توجه بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی، کسب‌وکارهایی که بیشتر جنبه زیرساختی و تفریحی دارند را در اولویت قرار می‌دهند. برای مثال، منطقه آزاد ساون سنو در لائوس در طی سال‌های نخست پس از افتتاح (۲۰۰۷) دومین پل، به نام پل دوستی (بین تایلند و لائوس) را ایجاد کردند که عمده‌تاً توسط کازینوها و هتل‌ها پر شده بود. منتقدان این موضوع را به مسائل مربوط به کار جنسی و کار کودکان در اطراف مناطق آزاد مرتبط می‌دانند.

علیرغم پتانسیل اقتصادی، منطقه مکونگ با چالش‌های مرتبط با مدیریت آب، توسعه نیروگاه‌های آبی مواجه است و همچنین نیاز به روش‌های جدید برای توسعه پایدار دارد. از طرف دیگر، چین که هم منابع آبی و هم مرزهای زمینی با اکثر کشورهای منطقه رودخانه مکونگ دارد، برای پیشبرد منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود به یک منطقه باثبات و مرفه نیاز دارد. منطقه مکونگ دارای منابع طبیعی فراوان است و به عنوان یک مسیر کشتیرانی قاره‌ای برای چین عمل می‌کند و از نقاط حساس تنگه مالاکا عبور می‌کند.

اگرچه سیاست خارجی اقتصادی چین به طور کلی مورد استقبال کشورهای مکونگ است، ولی پکن به طور فزاینده‌ای نگران چالش‌های امنیتی در منطقه است. که شامل مناقشات حقوق آب و شبکه‌های جنایی موجود در منطقه است. برای حل این مشکلات کشور چین از طریق سرمایه‌گذاری در این منطقه آزاد تلاش دارد که میزان نگرانی‌ها را از طریق رشد اقتصادی کاهش دهد. لذا از سال ۲۰۱۳، چین سرمایه‌گذاری زیرساختی را در سراسر منطقه، به ویژه از طریق طرح کمربند و جاده، برای تقویت ثبات و امنیت از طریق توسعه اقتصادی، ترویج کرده است.

فصل چہارم

جزیره بوموسی بررسی ادعای مالکیت و حاکمیت امارات بر آن:

به طور کلی قبل از اسلام حاکمیت این جزیره در دوره ایلامیان، مادها، هخامنشیان و ساسانیان با ایران بوده و در دوره بعد از اسلام تا صفویه به همین منوال پیش رفت اما با ورود قدرت‌های جهانی در دوره صفویه و کشمکش‌هایی که به وجود آمد داستان کمی متفاوت شد.

دوران صفویه، افشاریه و زندیه: سلطه ایرانیان تا سال ۱۵۰۷ میلادی ادامه داشت تا به دوران صفویه که آغاز عرصه سیاست بین‌الملل است نه به شکل امروزی چرا که ایران با قدرت‌های فرامنطقه‌ای و غربی مواجه شد از جمله پرتغالی‌ها به عنوان یکی از قدرت‌های نوظهور فرامنطقه‌ای در خاورمیانه که در روند دریانوردی و کشفیات دریا نوردی خود را به خلیج فارس رساندند و یک رفتار خصمانه و سلطه‌پذیری ایران را وارد جنگ و استراتژی‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای کردند. با حمایت قدرت صفویه الگوهای رفتاری و سیاسی در غالب سستی متحول شد و حکومت صفوی استقلال فرهنگی و هویت ایرانی را غالب ساخت و استقرار ایران در خلیج فارس بازیابی شد و تا سال ۱۷۲۰ بدون خدشه‌ای ادامه داشت. مدتی بعد از زوال حکومت صفویه، نادرشاه افشار با تاسیس حکومت افشاریه امنیت را برای مدتی برقرار کرد.

در سال ۱۷۶۵ کریم خان زند با تاسیس حکومت زندیه امنیت دوباره به خلیج فارس برگرداند. وی برخلاف نادرشاه دیپلماسی و روابط دوستانه با رقبای ایران برگزید و این امر موجب برقراری مناسبات درست و به جهت دستیابی به توسعه و برقراری امنیت داخلی و قدرت‌های منطقه‌ای شد.

حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در دوره قاجار و پهلوی

از اواخر قرن ۱۹ تا اوایل قرن ۲۰ تحولات سیاسی عظیمی روی داد که اهمیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک خلیج فارس و جزایر سه‌گانه را بالا برد و ایران در تلاش بود تا حاکمیت خود را در خلیج فارس و جزایر سه‌گانه بازیابی کند. حکومت قاجار با حاکمیت ۱۰ ساله آقامحمدخان به عنوان جانشین کریم خان و تاسیس حکومت قاجاریه شروع شد. در این دوران حتی تا دوران فتحعلی شاه جزایر بوموسی، هندورابی و بحرین جزوی از ایالت فارس بودند.

دوران پهلوی: در سال‌های بین ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۶ در دوره رضا شاه، ایران بارها به بریتانیا نسبت به حاکمیت بر جزایر و اشغال جزیره قشم اعتراض کرد ولی همیشه با ممانعت بریتانیا روبه‌رو

می‌شد. در همین سال‌ها یک شرکت نفتی به نام گلدن اجازه خاکبرداری را از حاکم شارجه گرفت، این موضوع باعث شکایت ایران به سازمان ملل شد و اعلام کرد این کار نقض قوانین مبنی بر توافق دو طرف است. بعد از جنگ جهانی دوم و استقلال هند و پاکستان، حساسیت‌ها از خلیج فارس کمتر ولی متوقف نشد. در سال ۱۹۴۸ دوباره ایران موضوع حاکمیت خود بر جزایر سه‌گانه را به بریتانیا اعلام کرد و این بیانیه ایران تا زمان دکتر مصدق ادامه داشت و ایران در تمام این مدت در تقسیمات کشوری خود، جزایر را جزع استان فارس می‌دانست. بوموسی جزو فرمانداری لنگه و تنب بزرگ و کوچک جزو دهستان بوموسی محسوب می‌شدند. مذاکرات بی‌نتیجه بین ایران و بریتانیا ادامه داشت، از جمله برای تعیین حدود فلات قاره خلیج فارس. تا اینکه در سال ۱۹۶۰، ایالات متحده برای کسب امتیازات نفتی بوموسی به حاکمیت شارجه درخواست داد و بیانیه‌ای رسمی در این خصوص اعلام کرد که اگر کسب امتیاز را متوقف نکنند به بوموسی حمله می‌کند. این مسئله تا سال ۱۹۶۸ ادامه داشت و بریتانیا به همراه شیوخ عربی که خود از آن‌ها حمایت می‌کرد توافق کردند این موضوع توسط سازمان ملل مشخص شود. مذاکرات ادامه داشت و بین بریتانیا و شیوخ مخالفت‌هایی صورت گرفت. مانند عربستان سعودی به دلیل اختلافات سرزمینی با ابوظبی، با بریتانیا مخالفت می‌کرد و آن را به رسمیت نمی‌شناخت. آخرین نماینده سیاسی بریتانیا ویلیام لوس با امیر خسرو افشار سفیر ایران در لندن مذاکره کردند و بعد از مدتی توافق بر این شد که حاکمیت ایران بر جزایر و تنب به رسمیت شناخته شود و اینکه توافقی بین حاکم شارجه و ایران نوشته شود. این توافقنامه یک مقدمه در شش بند دارد: ۱- حضور نیروهای نظامی ایران در بوموسی بر اساس محدوده‌های مشخص شده در نقشه باشد و تاسیسات نظامی ایران و قرارگیری نیروهای نظامی شارجه در محدوده مشخص شده باشد ۲- مالکیت مشترک شارجه و ایران در ۱۲ مایلی آب‌های بوموسی ۳- مالکیت مشترک بر سر منابع نفتی و استخراج نفت ۴- تقسیم درآمدهای نفتی شرکت‌های نفتی بین دو طرف ۵- حق ماهیگیری اتباع ایرانی در جزیره بوموسی. بعد از گذشت ۶۸ سال حاکم شارجه مالکیت مطلق ایران را قبول و نیروهای نظامی بریتانیا با قبول کردن این موضوع از بوموسی خارج شدند.

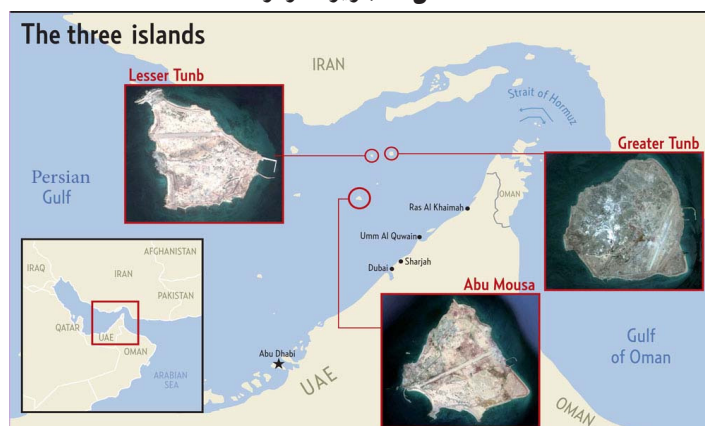
جمهوری اسلامی ایران:

بعد از انقلاب اسلامی و تغییر نظام سیاسی در ایران، امارات ادعای چندانی تا آوریل سال ۱۹۹۲، نسبت به مالکیت جزایر سه‌گانه از خود بروز نداد تا اینکه با جلوگیری مقامات ایرانی از ورود

گروهی از مردم پاکستانی، هندی و فلپینی (که در استخدام امارات عربی متحده بودند)، به جزیره بوموسی، ادعاهای امارت عربی متحده نسبت به مالکیت جزایر سه گانه به طرق مختلف برای نخستین بار آغاز می‌شود. این ادعای امارات با واکنش گسترده رسانه‌ها و دولت ایران مواجه شد و با توجه به این موضوع آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهوری وقت در نماز جمعه مورخ ۱۸ سپتامبر گفته که سیاست ایران در خلیج فارس دشمن تراشی و ایجاد اختلاف نیست، بلکه دفاع از تمامیت ارضی خود است و در نماز جمعه ۲۵ دسامبر سال ۱۹۹۲م، در مورد ادعای کذب امارات عنوان کردند که ایران از همه شما قویتر است و برای گرفتن این جزایر باید از دریای خون بگذرد. از آن زمان تا کنون امارات هنوز این ادعا را اعلام می‌کند.

جزایر بوموسی و تنب بزرگ و کوچک از زمان‌های بسیار قدیم در قلمرو ایران بوده‌اند و در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی، به صورت مستقیم تحت صلاحیت و اداره ولایت لنگه بوده‌اند که خود یک بخش اداری از استان فارس بوده است. شواهد حاکمیت ایران بر این جزایر، در اسناد رسمی، اسناد تاریخی، کتابچه‌های راهنمای دریانوردان، سالنامه‌ها، شرح وقایع روزانه (گازیت‌ها)، نقشه‌های سیاسی و کارتوگرافیک، گزارش‌های اداری و یادداشت‌های رسمی وزارت خارجه انگلیس و اداره امور هندوستان در بریتانیا، در خلال قرون ۱۷ و ۱۸ و قسمت اعظم قرن ۱۹ مشاهده می‌شود. به خصوص جالب توجه است که در نقشه تهیه شده توسط دفتر امور جنگ در سال ۱۸۸۷ این جزایر به رنگ قلمرو اصلی ایران مشخص گردیده و نیز در نقشه لرد کروزن از ایران، مورخ ۱۸۹۲ و نقشه‌های اداری هندوستان، مورخ ۱۸۹۷ و کتابچه‌های راهنمای دریانوردی در خلیج فارس چاپ ۱۸۶۴ و گزارش‌های اداری دولت انگلستان، در سال‌های ۱۸۷۵-۷۶م، به عنوان قلمرو ایران درج شده‌اند. بنابراین جزایر تنب و ابوموسی در حاکمیت ایران است.

شکل ۵ جزیره هرمز



نسل ششم مناطق آزاد در زمینه های تک به عنوان الگوی ارتباطی با سایر مناطق آزاد خلیج فارس (منطقه آزاد دبی) برای جزیره بوموسی

اقتصاد تکنولوژی نوین یا های تک که از آن به عنوان اقتصاد دانش بنیان نیز یاد می شود مورد توجه کشورهای کمتر توسعه یافته مانند کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، هند و چین و کشورهای جنوب شرقی آسیا قرار گرفته است که منجر به توسعه فضایی در این کشورها شده است. بعد از کشور چین، هند با سرمایه گذاری زیادی بر روی اقتصاد دانش انجام داده است تا جایی که مناطق ویژه زیادی تا حدود ۱۵۰ منطقه ویژه را برای این امر اختصاص داده است. از اقتصاد دانش که شامل خدمات تولید کننده پیشرفته تکنولوژی نوین نیز یاد می شود در ارتباطات با اقتصاد شبکه ای بسیار مهم است تاجایی که هفت شهر از دویست شهر پیشرو جهانی در این زمینه در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس هستند که همه در مناطق آزاد قرار دارند. این شهرها شامل دبی (امارات متحده عربی) منامه (بحرین) جدّه (عربستان سعودی) ریاض (عربستان سعودی) ابوظبی (امارات متحده عربی) کویت (کویت) و دوحه (قطر) می باشند.

شکل ۶ شهرهای اقتصاد دانش در خلیج فارس



به طور کلی اقتصاد دانش بنیان از سه بخش تشکیل شده است: ۱- شبکه شرکت های خدمات تولید کننده پیشرفته ۲- تکنولوژی پیشرفته ۳- مراکز دانشگاهی.

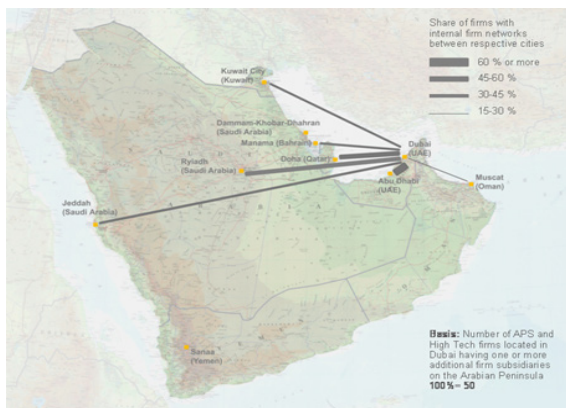
شکل ۷ مدل مفهومی اقتصاد دانش بنیان



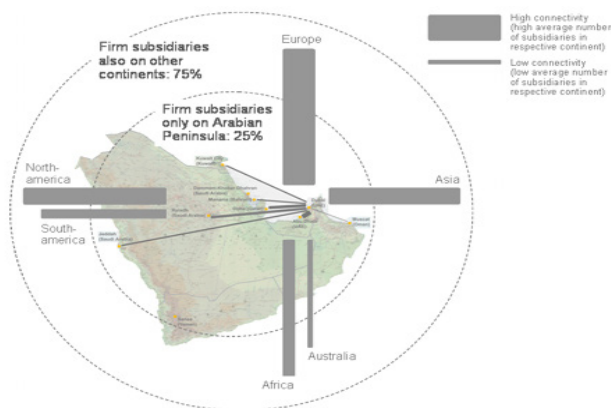
شرکت‌های خدمات تولید کننده پیشرفته شامل: حسابداری، بیمه، موسسات بانکی و مالی، مشاوره مدیریت و فناوری اطلاعات، حقوقی، لجستیک، طراحی و معماری، تبلیغات و رسانه می‌شود و تکنولوژی پیشرفته نیز شامل: شیمی و صنعت داروسازی، مهندسی مکانیک، کامپیوتر، ماشین آلات برقی، مخابرات، ابزار پزشکی و نوری، ساخت خودرو می‌شود.

اقتصاد دانش بنیان منجر به رشد و توسعه شهرهای کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس شده است تا جایی که دبی با ۲۰۰۰۰ جمعیت در سال ۱۹۵۰ به یک شهر پیشرفته با رشد سریع اقتصادی با جمعیت ۱,۵ میلیونی تبدیل شده است. در میان این شهرها دبی، منامه و دوحه مهمتر هستند. شهر دبی به علت معیارهای استراتژیک، سیاسی و اقتصادی شامل: در دسترس بودن مرکز مهم فرودگاه‌های بین‌المللی، سهولت ورود به بازار برای شرکت‌ها و افراد خارجی، مالیات و عوارض پایین، یارانه‌های مالی بالا، شرایط مناسب سیاسی و اقتصادی باثبات، دسترسی به بندرگاه‌ها و همچنین دسترسی به بازارهای عرضه و تحویل توسط شرکت‌های فن‌آوری پیشرفته شرایط بهتری دارند.

شکل ۹ ارتباطات جهانی منطقه آزاد دبی

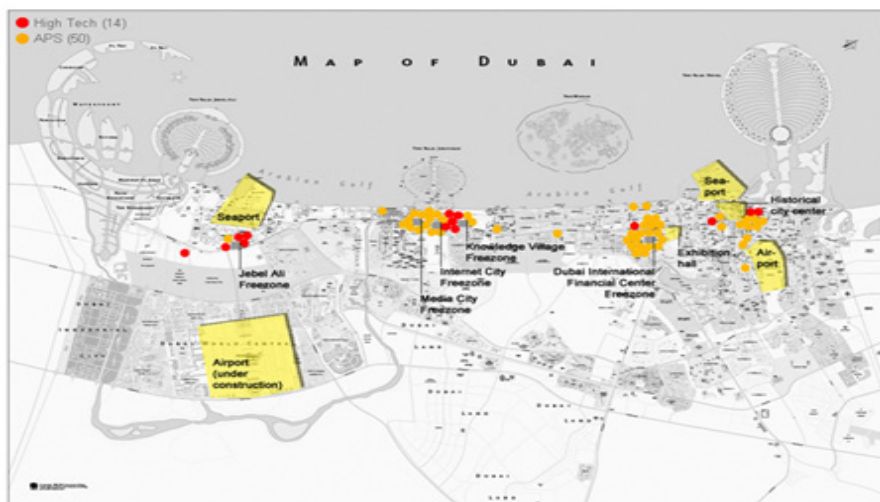


شکل ۸ ارتباطات منطقه ای منطقه آزاد دبی



بیشتر این شرکت‌ها در دبی عمدتاً اطراف مناطق آزاد زیر متمرکز هستند: مراکز مالی بین‌المللی دبی، روستای دانش، شهر اینترنتی، شهر رسانه ای، منطقه آزاد جبل علی، که تمام آنها مناطق آزاد دبی محسوب می‌شوند که برای جذب این شرکت‌ها طراحی شده‌اند. از جمله مزایای قرار گرفتن شرکت‌ها در این مناطق معافیت مالیاتی همراه با امکانات بالا، زیر ساخت‌های مناسب و کیفیت نگهداری کالا در سطح بالا، سهولت ورود به بازار که مهمترین معیار این شهر برای مکان‌گزینی است و علاوه بر آن ویژگی‌های جذابیت فضاهای شهری نیز بسیار تاثیر گذار بوده. اما نقطه ضعف دبی در این میان کمبود شایستگی نیروی کار ماهر می‌باشد و همچنین فاقد جذابیت طولانی مدت خاص برای نیروی کار ماهر است.

شکل ۱۰ اروستاهای دانش در دبی



حل اختلافات ایران و کشورهای همسایه

از آنجایی که مذاکرات ایران و بریتانیا در مورد بوموسی، منجر به امضای یک یادداشت تفاهم میان ایران و شارجه شد که از نظر مقاوله‌نامه حقوق معاهدات (۱۹۶۹ وین)، یک سند الزام‌آور حقوقی است و به تأیید و تصدیق دولت بریتانیا نیز رسید و از طریق این کشور بین ایران و شارجه مبادله شد و ۲۴ ساعت پس از اعلام توافق شارجه با ایران در مورد جزیره بوموسی، نیروهای مسلح ایران وارد جزایر تنب و بوموسی شدند و در محل‌های لازم مستقر شدند. مراجع قضایی بین‌المللی هم اعتبار آن را تأیید کرده‌اند. یادداشت تفاهم مزبور تاکنون ۲ بار در دادگاه‌های آمریکا و انگلیس مطرح شده (در ۱۹۷۲ و ۱۹۸۰) که از نظر حقوقی تأییدی بر اعتبار آن است. علاوه بر آن، به اجرا درآمدن یادداشت مزبور پس از تفاهم، خود مدعایی دیگر بر سندیت آن است. بوموسی دیگر سرزمینی مورد مناقشه نیست؛ مناقشه مربوط به سال‌های ۱۹۰۴ تا ۱۹۷۱ بوده که با استرداد جزایر به ایران پایان یافته است. امارات متحده عربی نیز به عنوان جانشین شارجه حق ندارد در اصل تفاهم نامه خللی وارد سازد. هرچند موضوع جزایر پیش از تأسیس امارات متحده عربی بین ایران و شارجه حل شد، طبق اصل جانشینی در حقوق بین‌الملل، امارات متحده عربی نمی‌تواند بر خلاف نص توافقنامه ۱۹۷۱ عمل کند.

از این‌رو می‌توان اشاره کرد در مکان‌هایی که اختلافات سیاسی و ژئوپلیتیکی بین چند کشور وجود دارد مانند بوموسی، دولت‌ها از طریق مکمل‌های اقتصادی می‌توانند موجبات یکپارچگی منطقه‌ای را تأمین کنند. این اقدام می‌تواند به گسترش همکاری‌های چندجانبه کمک کند. لذا نسل ششم مناطق آزاد می‌تواند به عنوان شریک استراتژیک بین آن‌ها عمل کند. زیرا این نسل دارای رسالت هم‌پیوندی منطقه‌ای در تعامل با سرزمین اصلی مبتنی بر آموزه همگرایی اقتصادی منطقه‌ای ایجاد شده اند لذا این مناطق آزاد اقتصادی فرامرزی مفهومی، پذیرفته شده است که هر دو مفهوم منطقه آزاد اقتصادی و همگرایی اقتصادی منطقه‌ای را دربردارد و نظام اداری این مناطق و شرکت‌های مادر تخصصی شکل یافته، مسئولیت اصلی مشارکت و توسعه اقتصادی را برعهده می‌گیرند. این نسل با پیوندهای مشترکی که با مناطق مشابه خود در کشورهای دیگر ایجاد می‌کنند، باعث ترویج همگرایی اقتصادی منطقه‌ای، همکاری اقتصادی منطقه‌ای می‌شوند.

از آنجایی که میان کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله ایران و سایر کشورها اختلافات متفاوتی وجود دارد لذا می‌توان از طریق مکمل‌های اقتصادی و فرصت‌های بالقوه‌ای که وجود

دارد استفاده کرد. از جمله این فرصت‌ها برای ایران:

۱- دارای سرزمین پهناور با خط ساحلی مناسب

۲- نیروی کار تحصیل کرده

۳- داشتن جزایر متعدد مانند بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک

در مقابل کشورهای امارات متحده عربی و قطر دارای مشکلاتی مانند نیروی تحصیل کرده و عدم ماندگاری نیروی کار ماهر در آن مکان‌ها است. این شرایط فرصت مناسبی را به وجود می‌آورد تا همگرایی را در این منطقه از طریق نسل ششم مناطق آزاد ایجاد کرد.

از جمله مکان‌هایی که می‌توان اقدام به احداث منطقه آزاد نسل ششم کرد جزیره بوموسی است که هم‌چنان ادعای کشور امارات متحده عربی بر آن وجود دارد. در این منطقه شرکت‌های بزرگ در زمینه اقتصاد دانش بنیان می‌توانند اقدام به پیدا کردن شریک یا جفت استراتژیک در مناطق آزاد کشورهای همسایه از جمله دبی کنند.

برای احداث این نسل از مناطق آزاد می‌توان از طریق کسب وام از بانک توسعه اسلامی که ایران سومین سهام دار این بانک با ۷۰۰ میلیون دینار اسلامی است و مرکز مالی بین‌المللی دبی با همکاری مشترک با کشورهای همسایه اقدام به تاسیس منطقه آزاد نسل ششم کرد. با در نظر گرفتن حاکمیت ایران در این منطقه و همکاری در زمینه سرمایه‌گذاری و انتقال تجارب از طرف دبی می‌توان به همکاری‌های منطقه‌ای دست پیدا کرد و سطح توسعه در جزیره بوموسی را افزایش داد. اما از آنجایی که مدیریت نسل‌های متفاوت مناطق آزاد به صورت تکاملی تغییر می‌کند و مدیریت نسل ششم بر عهده شرکت‌ها است لذا باید در نظر گرفت که این منطقه آزاد نیز به شرکت‌های بزرگ واگذار شود.

فصل پنجم

نتیجه‌گیری

در اواخر دهه ۱۹۶۰ با وقوع انقلاب فن‌آورانه، جهان شبکه‌ای شکل گرفت. این جهان شبکه‌ای خود بر فضای مکان‌ها (مکان‌های صنعتی) و فضای جریان‌ها (جریان داده‌ها، اطلاعات و کالاها) استوار است. که اساس مادی زندگی بشری را تشکیل می‌دهند. فضای مکان‌ها خود مبتنی بر شرکت‌های فراملی است که گره‌ها و زیرگره‌ها را تشکیل می‌دهند. این شرکت‌های متفاوت برای حضور و رقابت در بازارهای جهانی اقدام به مکان‌گزینی شعبه‌های خود در مکان‌های مختلف از جمله مناطق آزاد می‌کنند. در واقع مناطق آزاد از دهه ۱۹۷۰ رشدی انفجار گونه داشته‌اند که خود متأثر از جریان‌های اقتصاد جهانی بوده است.

مناطق آزاد در مسیر تکامل خود مراحل مختلفی را سپری کرده و نسل‌های متفاوتی از آن‌ها به وجود آمده است. آنچه در این پژوهش اهمیت دارد نسل ششم مناطق آزاد است زیرا با اهداف فراملی احداث می‌شوند و از طریق مکمل‌های اقتصادی موجبات یکپارچگی سرزمینی را به وجود می‌آورند و به همکاری‌های چند جانبه به خصوص در سطح منطقه‌ای کمک می‌کنند از جمله مهمترین آن‌ها می‌توان به ۱- مثلث رشد میان مالزی، اندونزی و سنگاپور ۲- مثلث رشد میان اندونزی، مالزی و تایلند و ۳- مثلث طلایی میان تایلند، لائوس و میانمار اشاره کرد.

از آنجایی که کشور ایران با همسایه‌های خود و به خصوص با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس مانند امارات متحده عربی، اختلافات متعددی دارد لذا می‌توان با تاکید بر مکمل‌های اقتصادی موجود در مناطق آزاد این دو کشور مانند سرمایه و تکنولوژی در این کشورها و سرزمین و نیروی کار تحصیل کرده در ایران منطقه آزاد نسل ششمی را در جزیره بوموسی و حتی استفاده از جزایر تنب بزرگ و کوچک در زمینه تکنولوژی پیشرفته میان ایران، امارات و قطر احداث نمود. این اقدام می‌تواند سطح اختلافات میان این کشورها را کاهش دهد و موجبات اتصال ایران را هم در سطح منطقه‌ای و هم در سطح جهانی با اقتصاد شبکه‌ای را فراهم نماید. لذا در این راستا پیشنهاد می‌شود که:

- ۱- پیش شرط همکاری‌های زیر منطقه‌ای، منطقه‌ای و جهانی برای بهبود شرایط به وجود آید.
- ۲- ایجاد یک دبیرخانه در خصوص ایجاد اصول و چهارچوب حمایتی مناسب در این راستا.
- ۳- ارائه برنامه‌های دقیق برای شناخت، مزایا و اهداف سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد نسل ششم.

- ۴- انجام طرح‌های جامع در جزیره بوموسی جهت اقدامات اقتصادی توصیه‌ای در راستای افزایش همگرایی منطقه ای بوسیله نسل ششم منطقه آزاد.
- ۵- تضمین امنیت سرمایه گذاری در صورت شکل گیری منطقه آزاد نسل ششم بوسیله هودینگ های مالی جهانی

منابع

منابع

- A Lavissière^{1*} and J Rodrigue, (2017), Free ports: towards a network of trade
- A. Lavissiere and L.Fedi (2014), A Modern Concept of Free Ports in the 21st Century: A Definition towards a Supply Chain Added Value, Chain Forum · January 2014
- A. Thierstein and E. Schein, (2008), Emerging Cities on the Arabian Peninsula: Urban Space in the Knowledge Economy Context International Journal of Architectural Research,
- Adepoju Babatunde, (2019), Free Trade Zones Between Theory And Practice In Nigeria, IOSR Journal Of Humanities And Social Science (IOSR-JHSS) Volume 24, Issue 9, Series. 3 (September. 2019) 52-68 e-ISSN: 2279-0837, p-ISSN: 2279-0845.
- Blaut, J. M. (1976) 'Where was capitalism born?', Antipode 8(2), 1-11
- Cattaneo, O., Gereffi, G., Staritz, C. (2010). "Global Value Chains in a Postcrisis World: A Development Perspective", the World Bank.
- Dehvar, Bahram (2008), Free Trade Zones: Iran and Turkey, Special Economic Zones Monthly, Year 8, Number 57
- F. Bost, (2007), Les zones franches, interfaces de la mondialisation, Dans Annales de géographie 2007/6 (n° 658), pages 563 à 585 Éditions Armand Colin
- F. Bost, (2019), Special economic zones: methodological issues and definition, TRANSNATIONAL CORPORATIONS Gateways, Journal of Shipping and Trade
<https://qfz.gov.qa/authority>
<https://www.healyconsultants.com/bahrain-company-registration/free-zones>
<https://www.healyconsultants.com/iraq-company-registration/free-zones/>
<https://www.healyconsultants.com/kuwait-company-registration/free-zones/>
<https://www.kezadgroup.com>
<https://www.lboro.ac.uk/microsites/geography/gawc/>
<https://www.moec.gov.ae/en/free-zones>

J. Harrison* and A. Growe,(2014), From Places to Flows? Planning for the New 'Regional World' in Germany, GAWC

J. SIROËN, (2014), Trade Performance of Free Trade Zones, DOCUMENT DE TRAVAIL

J.V. Beaverstock, R.G. Smith and P.J. Taylor(2000), World City Network: A New Metageography?, GAWC

Jacobs, J. (1970) The Economy of Cities. New York: Vintage

Kamran, Hassan (1381), causes of underdevelopment of Iran's free zones, University of Tehran, Amirkabir Research Institute

Khalili, Abdur Rasool (1401), Commercial-Industrial and Special Economic Free Zones from the beginning until now under Pilot control, Tehran, Farhang and Danesh Publishing House

M. Breul and J. Revilla Diez, (2017), Städte als regionale Knotenpunkte in globalen Wertschöpfungsketten: das Beispiel der Erdöl- und Erdgasindustrie in Südostasien, GAWC

M. Guang-wen,(2006), Evolutionary model of free economic zones different generations and structural features, CHINESE GEOGRAPHICAL SCIENCE Volume 15, Number 2, pp. 103-112, 2005 Science Press, Beijing, China

M. Najafi & K. Yeganegi, (2015), Sustainable Development and The Role of Free Zones

M. van Meeteren and D. Bassens, (2016), World Cities and the Uneven Geographies of Financialization: Unveiling Stratification and Hierarchy in the World City Archipelago International Journal of Urban and Regional Research

Madani D. (1999), A Review of the Role and Impact of Export Processing Zones, Washington, World Bank, Policy Research Working paper 2238, 108 p.

P,j, Taylor.(2004) York New outledgeR ,nalysisA rbanU Global A ,Network City orldw.

- P. j. Taylor.1997. AtV3Tjmi4YmpJFX9aSsFAv6GWMSz2yyPua4aJPhTE3pR
- P.J. Taylor, (2001), Visualizing a New Metageography: Explorations in World-City Space, GAWC
- P.J. Taylor, (2002), New Political Geographies 'Twixt Places and Flows, GAWC
- P.J. Taylor, (2004), World City Network A global urban analysis, Simultaneously published in the USA and Canada by Routledge
- P.J. Taylor, (2008), Advertising and Cities: A Relational Geography of Globalization in the Early Twenty First Century, GAWC
- P.J. Taylor, (2016), Geohistory of Globalizations, GAWC
- P.J. Taylor, (2017), The New Political Geography of Corporate Globalization, GAWC
- P.J. Taylor,(2007), Cities within Spaces of Flows: Theses for a Materialist Understanding of the External Relations of Cities, GAWC
- P.J. Taylor,(2015), Advertising and Cities: A Relational Geography of Globalization in the Early Twenty First Century,GAWC
- Tiefenbrun S (2012) Tax free trade zones of the world and in the United States. Edward Elgar Publishing, Cheltenham
- W. Jacobs and P.Hall,(2011), The Location and Global Network Structure of Maritime Advanced Producer Services, Urban Studies